



سال چهارم-شماره ۷۳ آبان ماه ۱۳۶۹



مجامع عمومی را

در کارخانه ها و مراکز صنعتی

گسترش دهیم

خولهران و برادران کارگر!
در کردستان هرچند کارخانه ها و مراکز صنعتی، تعداد کمی از کارگران را نسبت به شمار وسیع آنها در بر میگیرند، اما این مساله نمیتواند این مهم را بپوشاند که در کردستان هم مثل سایر نقاط ایران و جهان این بخش از کارگران در کارخانه ها و مراکز صنعتی در مبارزه برای تحقق مطالبات

مورد بحث قرار میدهیم و ابتدا به چند نکته ای در این رابطه اشاره میکنیم.
قانون کار کارگران، تمام کارگرانی را که بطور موقت و یا دائم استخدام شده اند، در بر میگیرد. بنابراین تمام کارگرانی که در واحدها و مراکز کارگری مثل موسسات صنعتی، کشاورزی، ساختمانی، کوره پزخانه، معادن، خدمات، حمل و نقل، کارگاههای خانگی و... کار میکنند، تحت پوشش این قانون قرار میگیرند. به بیان دیگر کارگر در هر جایی که کار کند، تحت پوشش این قانون قرار میگیرد.

خولهران و برادران کارگر!
همانطور که میدانید بخش اعظم قانون کار رژیم به تصویب رسیده است. قانون کار رژیم بر اساس تامین منافع رژیم و سرمایه داران نوشته شده است و کارگران در تدوین آن هیچگونه دخالتی نداشتند. هر قانون کاری که بوسیله نمایندگان منتخب کارگران نوشته نشود و به تأیید کارگران نرسد، بی ارزش و غیر قابل قبول است. ما قبلا قانون کار رژیم اسلامی را مورد بررسی و نقد کارگری قرار دادیم و روی بند بند آن حرف زدیم. در اینجا چهارچوب قانون کار مورد قبول کارگران را

يك نامه از رفیق جانباخته، کارگر معترض جمال چراغ ویسی

۲۸ از میان اخبار جمجمان



سرمایه داران ایران خود را برای جنگ با کارگران آماده می کنند، کارگران چکار می کنند؟



۳۴ باز هم در مورد بیکاری



شعر:



۳۴ گزارشی از اوضاع ایران



۳۰ تو تنها نیستی



اخبار فعالیت



۳۴ در آلمان چه می گذرد؟



۳۱ گرامی یاد باد جانباختگان راه سوسیالیسم



اخبار و گزارشات کارگری



کنفرانس کودکان در مقر سازمان ملل متحد



۲۳

چهارچوب قانون کاری که کارگران می‌خواهند

قانون کار حق و حقوق تمام کارگران بیکار جامعه را که آماده بکارند در برمیگیرد.

هرجا که حقوق تعیین شده برای کارگران در قانون کار سلب و یا محدود شود، جرم محسوب میگردد.

تبعیض و تفاوت قائل شدن در میان کارگران به خاطر جنسیت، ملت و مرام و مذهب، جرم محسوب میآید و قانون کار باید برای تمام کارگران، یکسان به اجرا درآید.

یادآوری این نکته لازم است که ما در اینجا از چارچوب کلی یک قانون کار کارگری حرف میزنیم. بنابراین قانون حقوق پایه‌ای و اساسی کارگران و آئین نامها و مقررات مختلف و سراسری کارگران را در سطح سراسری مطرح میکند و برای رشتها، مراکز و محلهای مختلف کارگری باید دقیق و تکمیل شود.

تدوین هر گونه موازین و مقررات و آئین نامه‌ای در رابطه با اجرای این قانون کار، نباید چارچوب حقوقی را که در آن قید شده، نقض نماید، در غیر اینصورت موازین و مقررات تدوین شده فاقد اعتبار بوده و مورد قبول کارگران نیست. بنابراین کلیت این قانون کار علیرغم تبصرها و تذکرات مختلف برای هر رشته و بخشی، در هر جایی باید محفوظ بماند و نقض و یا محدود نکرد و در این رابطه ضرر و زیانی متوجه کارگران نشود. حال به اصل بحث میپردازیم و ابتدا در باره مدت کار.

مدت کار کارگران:

ساعات کار هفتگی کارگران حداکثر باید ۳۵ ساعت باشد. این مدت ثابت نیست و متناسب با پیشرفتهای اجتماعی باید به مرور کاهش یابد. به این خاطر مثلا هر سه سال یکبار نمایندگان منتخب و سراسری کارگران درباره کاهش و میزان

کاهش ساعات کار هفتگی به بحث و بررسی پرداخته و تصمیم میگیرند. گسترش، پیشرفت و رشد علم و تکنولوژی وضعیت و امکاناتی را بوجود آورده که پسر با ساعات کار خیلی کمتری میتواند زندگی کند. متناسب با این پیشرفتها مدت کاری که لازم است انسان برای رفع نیازمندیهای جامعه انجام دهد، مرتبا رو به کاهش است و به این دلیل ساعات کار کارگر هم مدام باید کمتر شود.

طبق خواست بخش پیشرو طبقه کارگر در جهان ساعات کار کارگر در شبانه روز، نباید از ۷ ساعت بیشتر باشد. علاوه بر آن هر کارگری باید دو روز در هفته تعطیلی داشته باشد.

۷ ساعت کار در روز باید در فاصله ۷ صبح تا ۱۰ بعدازظهر باشد.

در رشته هائی که کار در دو شیفت صورت میگیرد، ساعات کار کارگران هر دو شیفت باید در این فاصله زمانی قرار بگیرد. واضح است، کاری که در خارج از این فاصله زمانی انجام شود، شب کاری است.

برخی کارها سخت و زیان آورند و یا در شرایط جوی نامناسب صورت میگیرند و بعضی کار هم مثل کار در معدن در اعماق زمین انجام میشود. در این نوع کارها، کار هفتگی کارگر حداکثر ۳۰ ساعت و روزکار حداکثر ۶ ساعت میباشد. مدتی که کارگر در این رشتها به کار میپردازد باید محدود و کم باشد و بعد از مدت مناسب کار کارگر و رشته‌ای که در آن کار میکند باید عوض شود. به این خاطر است که در هفته حداقل ۵ ساعت از ساعات کار هفتگی کارگر باید صرف آموزش حرفه‌ای او گردد تا کارگر کار در رشته دیگر را یاد بگیرد. تعیین میزان ساعات کار در رشته‌های سخت و زیان آور و همچنین تعیین مدتی که کارگر در این رشتها کار میکند، بعهده نمایندگان

منتخب و سراسری کارگران است.

در طول روز، مدت صرف غذا و استراحت هنگام کار، مدت حمام بعد از کار و نرمش در وقت کار و همچنین زمان تشکیل جلسات و مجمع عمومی کارگران و ساعات شرکت کارگران در کلاسهای سوادآموزی، همگی جزو ساعات کار کارگر محسوب میشوند. مدت صرف غذا و استراحت هنگام کار، نباید کمتر از یک ساعت باشد. مدت ایاب و خهاب کارگر برای رفتن به سر کار و برگشتن به منزل، جزو ساعات کار کارگر محسوب میشود.

وادار کردن کارگران به اضافه کاری ممنوع است. اضافه کاری فقط وقتی مجاز است که از یک حادثه قابل پیش بینی جلوگیری نماید، آن هم به شرطی که خسارت وارده به کارگر جبران گردد. اضافه کاری اساسا باید با موافقت کارگر صورت بگیرد و مدت آن نباید بیش از ۳ ساعت در روز باشد. دستمزد زمان اضافه کاری باید دو برابر دستمزد در شرایط عادی باشد.

وادار کردن کارگران به شب کاری ممنوع است. شب کاری فقط در رشتھائی از کار مجاز است که به لحاظ فنی و یا بدلائل رفاهی و اجتماعی، شب کاری در آنها اجتناب ناپذیر باشد. تشخیص این که شب کاری در کجا لازم و یا غیر لازم است به عهده نمایندگان منتخب و سراسری کارگران است. حداکثر مدت کار شیفت شب ۵ ساعت است و دستمزد آن دو برابر دستمزد شیفت روز برای روز کار ۷ ساعت است. اگر انجام کار در یک رشته طوری باشد که بخشی از آن در روز و بخش دیگر در شب صورت گیرد، ۴۵ دقیقه کار در شب معادل یکساعت کار در روز به حساب آمده و دستمزد ۴۵ دقیقه شب کاری ۲ برابر دستمزد یکساعت کار در روز است.

کارگرانی که روزکارند اما ساعات کارشان بین ساعت ۶ بعدازظهر تا ۱۰ بعدازظهر است، بخاطر اینکه کار در وقت غیر متعارف انجام میشود، برای هر یکساعت کار حداقل ۲۵ درصد دستمزد پایه باید فوق العاده دریافت کنند.

کارگرانی که در مدت یکماه در شیفت

های مختلف کار میکنند و بطور متناوب کارشان عوض میشود، حداقل ۱۵ درصد دستمزد پایه باید بابت تعویض شیفت دریافت نمایند.

روزهای پنجشنبه و جمعه جزو تعطیلات هفتگی کارگران است. اول ماه مه - ۱۱ اردیبهشت - روز جهانی کارگر، تعطیل رسمی است. در بعضی رشتهها که کارگران لازم باشد در روزهای تعطیل کار کنند، کارگران خود روزهایی را بجای آن تعیین و تعطیل مینمایند. البته در این حالت کارگران برای کار در روزهای تعطیل رسمی، دو برابر دستمزد حالت عادی دریافت میکنند.

مرخصی استحقاقی سالانه کارگران حداقل ۶ هفته و با استفاده از دستمزد میباشد. تعیین زمان و مدت مرخصی در هر ثوبت بعهده خود کارگران است.

علاوه بر آن کارگر محق است که در سال حداکثر ۶ بار و هر بار یک روز به دلایل اضطراری و پیش آمدن مسائل مختلف، غیبت نماید و سر کار نیاید. در این وقتها لازم نیست کارگر موجه بودن غیبتش را به کسی ثابت نماید، اما ضروری است قبل از ساعت شروع کار، غیبتش را به محل کارش اطلاع دهد. واضح است که بخاطر این غیبتها هیچ بخشی از دستمزد و دریافتی های کارگر کسر نمیکردد.

کارگر محق است که برای استراحت کردن در ایام ناخوشی با ارائه گواهی پزشک از مرخصی استعلاجی استفاده نماید. روشن است که در این دوره یعنی هنگام مرخصی استعلاجی، کارگر از بیمه درمانی استفاده میکند. علاوه بر آن هر کارگری میتواند در سال ۲ ثوبت و هر بار حداکثر تا ۳ روز بدون گواهی دکتر، از مرخصی استعلاجی استفاده نماید.

دستمزد، دریافتی ها و استخدام و بازنشستگی کارگران:

دریافتی ماهانه کارگر عبارت است از دستمزد پایه، مزایا، کمک هزینه و فوق

العاده و... که تحت عناوین مختلف به کارگر پرداخت میشود. غیر از دستمزد پایه، به این خاطر، مزایا و دریافتی های دیگر به کارگر تعلق میگیرد که میزان دستمزد کارگر تحت تاثیر مسائل مختلفی قرار دارد، مثلا اگر کارگر شب کاری و اضافه کاری بنماید، دستمزد ۲ برابر میگیرد و اگر در کار روزانه تعویض شیفت نموده و رشته کارش نوبتی عوض شود، مزایا به وی پرداخت میگردد، یا متناسب با شرایط سخت کار در جاهایی مثل معدن و کوره و یا کارخانه های مواد شیمیایی و محلهایی که کار کردن در آنجا برای کارگر مضر است، مزایای ویژه به کارگر تعلق میگیرد. اگر کارگر برای رفتن به سر کار از محل زندگیش دور شود باز هم مزایا دریافت مینماید. علاوه بر اینها بخاطر بدی آب و هوای محل کار و شدت کار و مهارت کارگر، مزایای ویژه به کارگر پرداخت میشود.

حداقل دستمزد رسمی، هر ساله یکبار از طرف نمایندگان منتخب و سراسری کارگران تعیین میشود. میزان حداقل دستمزد رسمی بر پایه هزینه تامین رفاه یک خانواده ۵ نفره تعیین میشود. در تعیین حداقل دستمزد باید این مساله را در نظر داشت که زندگی کارگر مرتبا باید بهبود یابد، بطوریکه متناسب با پیشرفت صنعت و تکنولوژی و افزایش تولید و ثروت جامعه که حاصل کار خود کارگر است، دستمزد کارگر هم افزایش یابد. علاوه بر اینها حداقل دستمزد رسمی باید متناسب با نرخ تورم و گرانی افزایش یابد. در این رابطه باید توجه داشت که ماهانه نرخ تورم و گرانی چقدر افزایش مییابد بهمان نسبت حداقل دستمزد هم زیاد شود. گرانی روزمره یکی از زوائد سرمایه داری بحرانزده است و اگر این تغییرات را سالانه دخالت دهیم، به ضرر کارگر تمام میشود.

این نکته را هم یادآوری کنیم که دستمزد ماهانه کارگران باید در ابتدای هر ماه و نه آخر ماه پرداخت گردد، چرا که

مخارج کارگر و خانواده اش از همان اوایل ماه شروع میشود.

تعیین میزان افزایش دستمزد کارگر متناسب با سختی کار، مخاطره و شدت کار و مهارت و سابقه کار کارگر بعهده نمایندگان منتخب و سراسری کارگران است.

دستمزد پایه کارگر که تمام مزایای مختلف کاری کارگر را شامل میشود، در هر محل و رشته ای بوسیله قرارداد دسته جمعی کارگران تعیین میشود.

در قانون کار کارگری، کار کنتراتی و قطعه کاری قدغن است و بنابراین پرداخت دستمزد بر مبنای کار کنتراتی و قطعه کاری ممنوع است. همین طور پرداخت دستمزد به صورت قسطی و یا جنسی و غیر نقدی ممنوع است و دستمزد کارگر تماما باید به صورت نقدی پرداخت گردد.

هر چور جریمه کردن کارگر و یا کسر کردن دستمزد کارگر به بهانه های مختلف ممنوع است. کارفرما باید دستمزد کارگران را در هر شرایطی پرداخت نماید، بخصوص هنگام اعتصابات که تولید متوقف میشود، دستمزد کارگران باید پرداخت گردد.

مسکن مناسب با تمام امکانات حق طبیعی هر انسانی است. ب خانواده های کارگری که مسکن ندارند، تا وقتیکه از طرف دولت و یا کارفرما مسکن برایشان تامین میشود، باید بصورت ماهانه مبلغی پول متناسب با تامین هزینه اجاره خانه مناسب به آنها پرداخت گردد تا کارگر مجبور نشود کرایه خانه را از دستمزدش پرداخت نماید. کرایه خانه همراه دستمزد باید بطور ماهانه به کارگر پرداخت شود.

در ابتدای سال جدید کارگران باید هر ساله فوق العاده ای معادل حداقل حقوق یکماه را به عنوان عیدی دریافت نمایند.

سن کار برای کارگران ۱۸ سال تمام است و سپردن کار به افراد کمتر از ۱۸ سال ممنوع است.

هنگام استخدام کارگر، تمام حقوق

قدرت طبقه کارگر در شکل اوست

چهارچوب قانون کاری . . .

عمومی که در قانون کار قید شده و هم چنین حقوق ویژه‌ای که طبق قرارداد جمعی در واحد و مرکز کار تعیین شده است به کارگر استخدامی تعلق میگیرد. نمایندگان کارگران در هر واحدی باید مواظب باشند که تمام حقوق کارگری در وقت استخدام کارگران جدید رعایت شود. کارگری که استخدام میشود، در استخدام واحد تولیدی قرار میگیرد و نه در استخدام شخصی کارفرما، بنابراین اگر صاحب کارخانه هم عوض شود، قرارداد استخدام کارگر فسخ نمیگردد.

هنگام استخدام کارگر، مجموعه سنوات و سابقه کاری او، در کار و شغل‌های قبلی در نظر گرفته میشود و آنها را در تعیین سطح دستمزد پایه و مزایای پرداختی به کارگر دخالت میدهند.

کارگر حق دارد و میتواند بنا به تمایل خود از کار استعفا دهد. کارفرما حداکثر تا یکماه بعد از دریافت تقاضای کتبی استعفای کارگر، باید تقاضا را قبول نماید.

سن بازنشستگی حداکثر ۵۵ سال است و نباید از این حد تجاوز نماید. کارگر میتواند بعد از ۲۵ سال سابقه کار، بنا به تقاضای خود، بازنشست شود. البته کارگر اگر ۲۰ سال هم سابقه کار داشته باشد، میتواند خواستار بازنشستگی قبل از موعد باشد. کارگر در دوران بازنشستگی حق بیمه بازنشستگی دریافت میکند.

تأمین شغل در قانون کار کارگری:

کارگر بصورت دائمی استخدام میشود. صاحب کار و کارفرما به هیچ عنوان محق نیستند کارگر را اخراج کنند. اخراج کارگر ممنوع است و در حالتی که کارگر مقررات محل کار را نقض نماید فقط مجمع عمومی کارگران است که میتواند تصمیم بگیرد و کارگر را اخراج نماید. در صورت اخراج کارگر، باید به او غرامت پرداخت گردد و میزان غرامت طوری باید باشد که به ازاء یک سال سابقه کار مبلغی معادل ۲ ماه دستمزد، پول به کارگر پرداخت

شود.

در قراردادهائی که بین کارگر و کارفرما بسته میشوند، کارهائی که کارگر باید انجام دهد بدقت تعیین میگردد و کارفرما مجاز نیست غیر از کارهائی که در قرارداد تعیین شده، هیچ کار دیگری را حتی به صورت موقت به کارگر بسپرد.

تغییر دادن شغل کارگر ممنوع است مگر اینکه کارگر ارتقاء شغل پیدا کند و یا مگر در مواردی که پیشرفت تکنیک و تولید تغییر شغل را اجتناب ناپذیر کند. روشن است که در اینمورد هم تغییر شغل بدون کسر کردن دستمزد صورت میگیرد و کارگران باید قبل از شروع کار جدید در این رابطه آموزشهای لازم را ببینند.

بعلاوه، اگر کارگر به خاطر نقض عضو و یا ناتوانی جسمی، ناتوان از انجام کار قبلی اش باشد، کارفرما موظف است در همان واحد و مرکز کار، کار مناسبی را که براحتی برای کارگر قابل انجام دادن باشد بدون کسر دستمزد به او واگذار نماید. بیکار کردن کارگر از طرف کارفرما و صاحب کار حتی به دلایل تغییرات تکنیکی و تولیدی هم ممنوع است. مثلا اگر کارفرما بجای کارخانه قبلی، کارخانه مدرن و مجهزتری را خریداری نمود که به نیروی کار کمتری احتیاج داشت، نمیتواند تعدادی از کارگران را اخراج نماید و بگوید به تعداد کمی کارگر نیازمندم. کارفرما فقط در حالتی مجاز است این کار را بکند که ضمانت کاری به کارگران بدهد یعنی شرایط کاری یکسانی را مثل کار قبلی، بدون کسر دستمزد و دریافتی برای کارگر تضمین کند. حال کارفرما این ضمانت را خود میدهد یا دولت، این دیگر به کارگر مربوط نیست.

اگر کارفرما و یا دولت به هر طلیی مرکز و محل کار را تعطیل نمایند، کارگران مجازند خود اداره امور محل کارشان اعم از کارخانه و کارگاه و... را بعهده بگیرند. در این حالت دولت موظف است تمام امکانات لازم را برای اداره مرکز کار در اختیار کارگران قرار دهد. واضح است که در این شرایط کارفرما هیچ حقی در مرکز کار ندارد و مجاز نیست هیچ نوع دستگاه و ابزاری را از محل کار منتقل نماید.

در رابطه با استخدام کارگران، تاریخ استخدام کارگر از زمانی شروع میشود که کارگر دست به کار میشود و اگر کارفرما برای کارگر استخدام شده، دوره آزمایشی بگذارد، تغییری در مساله نمیدهد و کارگر از همان روز اول شروع کارش از همه حقوق و مزایایی که سایر کارگران در محل کار از آن استفاده میکنند، بهره‌مند میشود و هر چیزی را که قبلا کارگران در محل کارشان و در قراردادهایشان به کارفرما تحمیل کرده باشند، شامل حال کارگر جدیدالاستخدام هم میشود.

حداکثر مدت دوره آزمایشی برای کارگران ۳ ماه است و اگر در این دوره کارگر از نظر کارفرما و صاحب کار مورد قبول واقع نشود، دلایل عدم مقبولیت کارگر باید توسط یک مرجع متخصص صلاحیتدار که مورد قبول کارگران باشد، تایید شود، در غیر اینصورت کارفرما حق ندارد کارگر را رد کند.

آزادی تشکل و اعتصاب:

در قانون کار کارگری، کارگران در برپایی هر نوع تشکلی آزادند. کارگران در سطوح مختلف، در واحد و مرکز کار، در سطح منطقه و در سطح سراسری و در هر صنف و رشته‌ای که مایل باشند میتوانند، متشکل شوند و تشکلهای خود را اعم از صنفی، سیاسی و فرهنگی و ورزشی و... ایجاد نمایند. کارفرما و صاحب کار و دولت موظفند، تمام امکانات فنی لازم را برای تشکیل مجمع عمومی و سایر تشکلهای کارگران فراهم نمایند. ساعاتی را که مامورین و نمایندگان کارگران در این تشکلهای فعالیت میکنند جزو ساعات کار این کارگران بحساب میآید. مدت زمانی که صرف برگزاری مجمع عمومی میشود برای تمام کارگرانی که در آن شرکت دارند جزو ساعات کار بحساب میآید.

اعتصاب کارگران بدون قید و شرط آزاد است. کارگران در هر سطحی و در هر شرایط و زمانی که بخواهند، بدون استثناء میتوانند اعتصاب نمایند. در وقت اعتصاب کارگران آزادند و میتوانند برای جلب پشتیبانی و حمایت سایر کارگران، در مقابل بخشها و واحدهای دیگر

در محل کار که پشتیبانی آنها را از اعتصابشان لازم میدانند، تجمع نمایند و با ایجاد بیکت مانع از رفتن کارگران بخشهای دیگر به سر کار شوند. کارگران اعتصابی میتوانند کسانی را از میان خودشان به واحدهای دیگر بفرستند تا کارگران را قانع کنند که آنها هم اعتصاب نمایند.

کارگران اعتصابی برای جلب توجه و پشتیبانی سایر کارگران از مهارزه و خواستهایشان، آزادند در سراسر ایران و در سطح دنیا فعالیت نمایند. در وقت اعتصاب دولت موظف است که تمام امکانات لازم را در اختیار کارگران قرار دهد. دولت همچنین باید شرایطی را فراهم نماید تا کارگران بتوانند با استفاده از رادیو - تلویزیون و روزنامههای دولتی خواستهایشان را مطرح نمایند و از آنها دفاع کنند. در طول مدت اعتصاب، کارگران آزاد و مختارند از امکانات کارخانه و محل کار جهت برگزاری جلسات و جمعایشان استفاده نمایند. بهنگام اعتصاب، کارفرما و دولت حق ندارند کارگران دیگری را بجای کارگران اعتصابی استخدام نمایند.

تمام اعتصابات کارگران رسمی محسوب میشوند و لازم نیست بر سر رسمی و غیر رسمی بودن اعتصاب هیچ مرجعی حرف بزند و تصمیم بگیرد، مگر اینکه بخش اعظم کارگران در واحد کارشان و یا در قسمتی که اعتصاب پریا شده در اعتصاب شرکت ننمایند. در هر جایی که یک سوم کارگران در اعتصاب شرکت کنند، اعتصاب رسمی است. دولت و کارفرما موظفند تمامی حقوق کارگران اعتصابی را در دوران اعتصاب پرداخت نمایند و در این دوران کارگران میتوانند از خروج کالا جهت فروش و از ورود مواد اولیه به محل کار ممانعت بوجود آورند.

بیمه‌های کارگری :

بیمه کارگران شامل بیمه بیکاری، بیمه درمانی، بیمه سوانح و حوادث، بیمه

وقتیکه استخدام میشود و یا در دفتر کارایی نام نویسی مینماید باید تحت پوشش بیمه درمانی قرار گیرد. بیمه درمانی باید شامل تمام بیماریهای مختلف باشد و امکانات بهداشتی و پیشگیری از بیماری را برای کارگر فراهم نماید.

بیمه حوادث و سوانح:

کارگر در برابر هر نوع صدمه و خسارات وارده به هنگام کار چه در محل کار و یا خارج از آن، بیمه میباشد. در این هنگام لازم نیست کارگر قصور و خطای کارفرما و مدیریت را اثبات نماید چرا که بدون اینکار هم کارگر در برابر صدمه و خسارات وارده بیمه است. کارگرانی که بر اثر سانحه و حوادث مختلف کاری، دچار از کار افتادگی میشوند، بازنشسته محسوب شده و تمام حقوق و مزایای بازنشستگی به آنها تعلق میگیرد. چنانچه کارگر بر اثر حوادث پیش آمده، صدمه ببیند و نهایتا این صدمه به مرگ او منجر شود، حقوق و مزایای بازنشستگی کارگر به افراد تحت تکفلش تعلق پیدا میکند.

کارگرانی که بر اثر حادثه و سانحه کاری نقص عضو پیدا مینمایند و یا دچار از کار افتادگی میشوند، به نسبت ضرر و خسارت وارده از کارفرما غرامت دریافت مینمایند. چنانچه حادثه به مرگ کارگر منجر شود، غرامت پرداختی از طرف کارفرما به افراد تحت تکفل کارگر تعلق میگیرد. در تمام این حالات میزان خسارات وارده را نمایندگان منتخب کارگران تعیین میکنند.

بیمه بازنشستگی:

کارگر بازنشسته باندازه آخرین حقوق و مزایای دریافتی، از صندوق بیمه، حقوق دریافت میکند. حقوق بازنشستگی متناسب با افزایش دستمزدها ترمیم و زیاد میشود. کارگری که قبل از موعد بازنشستگی طبق تقاضای خودش بازنشسته میشود، حقوق و مزایایی متناسب با سابقه کارش به او

بازنشستگی و بیمه در دورانی است که وقفه‌ای در کار پیش آید. در تمامی این موارد کارگر بالاجبار و بطور رایگان از این بیمه استفاده میکند و بابت حق بیمه مطلقا پولی از کارگر دریافت نمیکردد. بیمه اساسا جزو حقوق عمومی افراد جامعه است و هر فردی باید بطور رایگان بتواند از بیمه‌های مختلف استفاده نماید. واضح است به نسبتی که قانون بیمه‌های عمومی وجود داشته باشد و به اجرا درآید، باید در بیمه‌های کارگری تغییرات مناسبی را بوجود آورد.

تمامی مخارج بیمه کارگران، از صندوق عمومی بیمه کارگران پرداخت میشود. بودجه این صندوق از طرف دولت و کارفرمایان تامین میگردد.

به تمام افراد ۱۸ سال به بالا اعم از اینکه زن باشند یا مرد و از هر ملیتی که باشند، از وقتیکه در مرکز کارایی نام نویسی نمایند، بیمه بیکاری تعلق میگیرد. این بیمه تا وقتیکه کارگر کار مناسب پیدا میکند، باید به او پرداخت شود. منظور از کار مناسب کاریست که به زور به کارگر تحمیل نمیشود و یا به خاطر آن کارگر را مجبور نمیکند از محلی به محل دیگر برای کار کردن برود و علاوه بر آن کاری که به کارگر میدهند باید با مهارت و توانایی او سازگار باشد. برای کارگرانی که بیکار شده‌اند کار مناسب کاری است که شرایط آن مشابه شرایط کار قبلی شان باشد و حقوق و مزایای دریافتی هم از حقوق و مزایای کار قبلی کمتر نباشد. مبلغ پولی که بعنوان بیمه بیکاری به کارگر پرداخت میشود، برای کارگرانی که قبلا شاغل بوده‌اند و بیکارشان کرده‌اند نباید از ۷۵ درصد حقوق و دریافتی‌های شغل قبلی کمتر باشد و در هر حال بیمه بیکاری نباید از حداقل دستمزد رسمی کارگر کمتر باشد. برای کارگرانی که سابقه کار ندارند، میزان بیمه باید برابر حداقل دستمزد رسمی باشد.

در رابطه با بیمه درمانی، کارگر از

بیمه بیکاری حق مسلم کارگران است

چهارچوب قانون کاری...

داده میشود. حقوق بازنشستگی کارگری که فوت مینماید به افراد تحت تکفل او داده میشود.

بیمه وقفه در کار:

کارگر در دوران مرخصی استعلاجی، اضطرابی، تحصیلی و یا در دوران مرخصی بارداری و نگهداری کودک، معادل حقوق دریافتی در حالت عادی، حق بیمه میگیرد.

قرارداد دسته جمعی:

قرارداد کار، قراردادی است که بین کارگر و کارفرما در محل کار بسته میشود. در قرارداد کار، ساعات کار، میزان دستمزد و تولید، شرایط کار و امکانات رفاهی کارگر، کمک هزینههای مختلف، حق ایاب و ذهاب، میزان مرخصی و شیوه استفاده کارگران از آن، مدت زمان صرف غذا، ساعات سوادآموزی و استراحت، حمام بعد از کار و... قید میگردد. در قرارداد کار تمام این موارد تعیین میشود. حقوقی که در قرارداد دسته جمعی بصورت رسمی تعیین میشود، نباید از حقوقی که نمایندگان سراسری کارگران تعیین میکنند کمتر باشد. اگر بر سر میزان تولید پایه، کارگران با کارفرما به توافق نرسند، هیاتی از متخصصین که مورد تایید کارگران باشد، میتواند میزان تولید پایه را متناسب با تکنیک تولید، تعداد کارگران، شرایط کار، سابقه کار و تخصص کارگران و... تعیین کند. واضح است که اگر هر کدام از عوامل فوق تغییر کند، میزان تولید پایه هم که در قرارداد قید گردیده عوض میشود.

پستن قرارداد فردی با کارگر ممنوع است. بستن قرارداد کار باید بصورت دسته جمعی انجام شود و تمام کارگران محل کار در آن دخالت داشته باشند. قرارداد کار باید از طرف مجمع عمومی یا نمایندگان مجمع عمومی کارگران تایید شود. کارفرما موظف است قبل از انجام هر تغییر و تعویض در محل کار که در قرارداد پیش بینی نشده، آن را به صورت

رسمی به اطلاع کارگران و نمایندگان کارگران برساند و رضایت آنها را جلب نماید.

اعتبار قرارداد تا وقتی است که در آن قید شده و با تعویض صاحب کار تغییری در قرارداد بوجود نمیآید.

ایمنی و بهداشت محل کار:

ایمنی و بهداشت محل کار در هر رشته و واحد کاری باید به دور از ملاحظات سودجویانه کارفرما و با استفاده از آخرین پیشرفتهای بهداشتی و ایمنی محیط کار در سطح جهان تامین و ضمانت شود تا خطرات احتمالی به حداقل برسد. کارگران باید بطور دائمی در زمینه بهداشت و کاربرد وسایل ایمنی آموزشهای لازم را ببینند.

در تمام رشتههای کار باید متناسب با نوع کار و شغل، به کارگران خدمات ویژه پزشکی و بهداشتی داده شود و کارگران هر سه ماه یکبار بطور منظم مورد معاینه پزشکی قرار گیرند و بطور دائمی تحت نظر پزشک قرار داشته باشند. علاوه بر اینها در رشتههایی که بیماریهای مختلف کارگران را تهدید میکند و احتمال دارد آنها را دچار مخاطره نماید، باید کارگران از غذای مخصوص استفاده نمایند و تحت مراقبت ویژه قرار گیرند.

مقررات محل کار:

مقررات محل کار در هر محلی بوسیله کارگران آن محل تعیین و به تصویب میرسد و نمایندگان منتخب کارگران هم بر پیشبرد و اجرای این مقررات نظارت میکنند. هر نوع تنبیه و جریمه و توهین و تحقیر نسبت به کارگران قدغن است. تفتیش بدنی و بازرسی و تفتیش اماکن و وسایل کارگران قدغن است و هیچ نوع مقرراتی در کارخانه و محل کار به منظور تفتیش کارگران نباید وجود داشته باشد. مأمورین حفاظت و نگهبانی کارخانه حق ندارند کارگران را به خاطر پیشبرد مقررات محل کار مورد بازخواست و حسابرسی قرار دهند، آنها حق هیچ دخالتی را در این زمینه ندارند.

درباره کار موقت:

در کارهایی مثل کار پروژه‌ای و فصلی

که کار بطور طبیعی به صورت موقتی انجام میشود، استخدام کارگر بطور موقت مجاز است. اما در کار موقت علاوه بر حقوق پایه به اندازه ۳۰ درصد حقوق پایه، فوق العاده به کارگر تعلق میگیرد.

میزان مرخصی استحقاقی کارگران در کار موقت، متناسب با مدت کار کارگر است و میزان آن در هر ماه ۳ روز و نیم میباشد.

درباره هیات حل اختلاف:

کارگران و کارفرمایان هنگام بروز اختلافات فردی و یا اختلاف بر سر قرارداد دسته جمعی، میتوانند به هیات حل اختلاف مراجعه نمایند. هیات حل اختلاف وابسته به ادارات و سازمانهای دولتی نیست و این هیات از نماینده کارگران و متخصصین حقوقی و فنی امور کارگری تشکیل میشود. تعداد نمایندگان کارگران در این هیات ها نباید از نصف تعداد اعضا هیات کمتر باشد و اساسا صلاحیت هیات حل اختلاف باید از طرف کارگران مورد تایید قرار گیرد. دامنه کار و فعالیت هیات حل اختلاف در چارچوب قانون کار و قراردادهای دسته جمعی کارگران قرار میگیرد.

احکام هیات حل اختلاف، اعتبار قانونی دارد و تا وقتی که هیات حل اختلاف نظرش را درباره مساله‌ای نگفته باشد، بجای آن حکم بالاترین مرجع تشکلهای کارگری در محل کار، اجرا میشود.

تامین هزینه و مخارج امورات مربوط به هیات حل اختلاف بعهده کارفرما و دولت است.

خدمات رفاهی:

دولت و کارفرما موظفند که در محل کار و در محلات مسکونی کارگران، درمانگاههای مجهز به وسایل کافی پزشکی دایر نمایند. کسانی که در این درمانگاهها کار میکنند باید متخصص و کارآزموده باشند. دولت و کارفرما موظفند در محل کار و در محلات کارگری مهد کودک و شیرخوارگاههای مجهز احداث نمایند. در مراکز و محلات کارگری باید با هزینه دولت و کارفرما و با استفاده از

امکانات مناسب، سالنهای غذاخوری با رعایت اصول بهداشتی دایر گردد. در این غذاخوریها باید خوراک گرم و متنوع و با کیفیت مناسب در اختیار کارگران قرار گیرد. کارفرما موظف است در محل کار، یک وعده غذای گرم بطور رایگان برای کارگران تهیه نماید.

کارفرما و دولت موظفند که در مراکز و محلات کارگری، سالن و امکانات ورزشی، سالن اجتماعات و کتابخانه برای کارگران درست کنند.

محل کار باید دارای حمام، دستشویی و سالن استراحت به اندازه کافی و با تسهیلات و کیفیت مناسب باشد. هزینه احداث و اداره تمام این تسهیلات بعهده کارفرما و دولت است. در کارگاههای کوچک و یا در محلهایی که تامین تمام این تسهیلات و یا بخشی از آنها امکانپذیر نیست، کارفرما باید بجای این خدمات و رفاهیات پول نقد به کارگران بدهد و دستمزد کارگران را افزایش دهد و این کار باید تا هنگام تامین امکانات و محلهای عمومی ادامه یابد. و در غیر اینصورت باید کارفرما تحت پیگرد قرار گیرد.

همچنین باید به نفع زنان کارگر بطور جدی از تبعیض مثبت استفاده نمود. در محلهایی که تحت تاثیر عرف و عادت و وجود تبعیض میان زن و مرد، زنان کارگر از شغلهای تخصصی و عهده دار شدن مسئولیت محروم شده اند، باید امکانات بیشتری در اختیار زنان قرار داد تا زنان کارگر از موقعیتی برابری با مردان همکارشان برخوردار گردند.

در جائیکه محل کار کارگران از محل سکونت آنها و از شهر دور است، کارفرما باید برای کارگران امکانات زیستی و رفاهی بطور رایگان فراهم نماید.

استفاده از مسکن مناسب، حق طبیعی هر انسانی است. دولت و کارفرما موظفند از طریق درست کردن محلات مسکونی و سازمانی، پرداخت وام طولانی مدت و بدون بهره، برپایی تعاونی مسکن و تامین بخشی از سرمایه آن، در اختیار قرار دادن زمین و ملزومات ساختمانی و... تسهیلات لازم را به منظور تامین مسکن برای کارگران فراهم نمایند. نحوه

پیشبرد و انجام این اقدامات را میتوان کمک تنظیم آئین نامه های مختلف با دقت تعیین نمود.

دولت موظف است به نسبتی که برای افراد جامعه مسکن تامین میکند، برای کارگران هم بدون تحمیل هیچ نوع هزینه ای به آنها مسکن تامین نماید. کارگرانی که مسکن ندارند حداکثر تا ۱۰ درصد حقوقشان باید به اجاره مسکن اختصاص یابد و تامین باقیمانده اجاره مسکن بعهده کارفرما و دولت است.

در مراکز کار باید کلاسهای سوادآموزی دایر گردد تا کارگران بیسواد و کم سواد حداقل ۵ ساعت در هفته در این کلاسها شرکت نمایند. مدت زمان شرکت در این کلاسها جزو ساعات کار کارگر به حساب می آید. کارگرانی که کمتر از حد نصاب تحصیلی تعیین شده در جامعه درس خوانده اند تا رسیدن به این حد نصاب باید امکان تحصیل داشته باشند و حداقل باید ۵ ساعت در هفته مرخصی تحصیلی بدون کسر حقوق و مزایا داشته باشند.

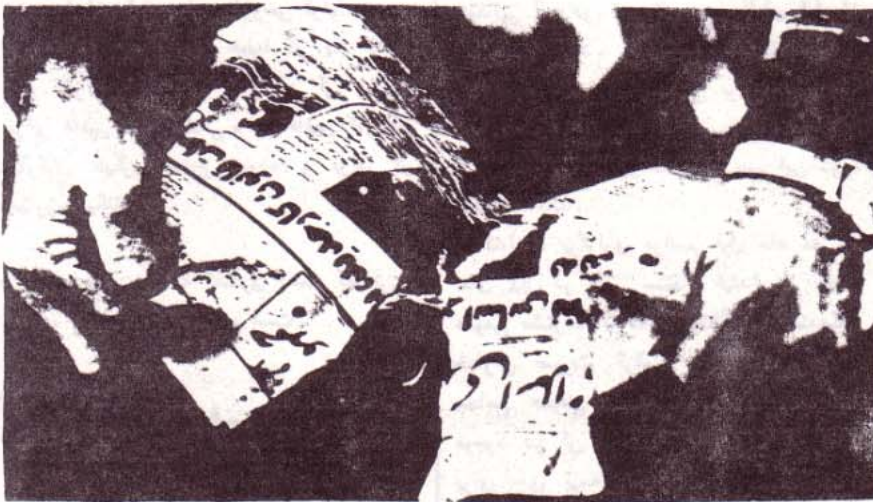
کارگرانی که ۳ سال سابقه کار دارند میتوانند برای ادامه تحصیل، یک سال مرخصی تحصیلی بگیرند. در این مدت، کارگر از بیمه وقعه در کار استفاده نموده و بعد از اتمام مرخصی تحصیلی هیچ تنزلی در وضعیت شغلی او نباید بوجود آید.

حقوق ویژه زنان کارگر:

زن و مرد در برابر کار مساوی دستمزد مساوی دریافت میکنند. دستمزد، کمک هزینه و مزایای مختلف برای

زن و مرد کارگر باید یکسان باشد. تبعیض در استخدام و یا ارتقاء رتبه شغلی کارگر بر مبنای جنسیت قدغن است. تبعیض قائل شدن بین زن و مرد در تعیین دستمزد و دریافتی کارگران جرم محسوب میشود. دولت و کارفرما موظفند برای از بین بردن تبعیض میان زن و مرد کارگر و برای جبران عقب ماندگیهایی که جامعه به زنان تحمیل نموده، کلاس و دوره های مخصوص سوادآموزی و فراگیری تخصص برای زنان کارگر دایر نمایند. مدت زمانی که زنان کارگر در این کلاسها شرکت میکنند جزو ساعات کار آنها محسوب میشود. در رشته هایی که شب کاری در آنها اجتناب ناپذیر است، باید برای زنان کارگر سرویس ایاب و ذهاب گذاشته شود. شب کاری برای کارگرانی که کودک کمتر از ۳ سال دارند، ممنوع است. زنان کارگر باید ماهانه از ۲ روز مرخصی بدون کسر حقوق و مزایا استفاده نمایند. واگذاری هر نوع کاری به زنان حامله که برای خود و بچه شان مضر باشد، قدغن است. به زنان بارداری که کارشان مضر بحالشان است باید بدون کسر دستمزد و مزایا، کار آسانتری سپرده شود. در غیر اینصورت، زنان باردار باید در تمام مدت بارداری از مرخصی و حق بیمه وقعه در کار استفاده نمایند. اخراج زنان باردار ممنوع است.

زنان کارگر ۱۶ هفته مرخصی دوران زایمان دارند، ۸ هفته قبل از زایمان و ۸ هفته بعد از آن. مدت این مرخصی طبق تشخیص دکتر میتواند بیشتر از این هم





چهارچوب قانون کاری ...

باشد. در مدت مرخصی، بیمه وقفه در کار به زن کارگر تعلق میگیرد و دوران مرخصی جزو سابقه کار محسوب شده و بعد از مراجعت کارگر به سر کار هم نباید شغلش تنزل یابد. علاوه بر مرخصی دوران زایمان، پدر یا مادر کودک میتوانند برای نگهداری کودک از ۱۸ هفته مرخصی با استفاده از بیمه وقفه در کار بهره‌مند شوند. پدر و مادر کودک میتوانند نوبتی از این مرخصی استفاده نمایند. در این حالت هم بعد از مراجعت مجدد کارگر به سر کار نباید شغل او تنزل پیدا کند.

مادرانی که کودک شیرخوار دارند، روزانه باید حداقل ۲ نوبت نیم ساعته فراغت شیر دادن به بچه را داشته باشند. روز کار این گروه از زنان کارگر نباید حداکثر از ۶ ساعت تجاوز نماید.

تقسیم کار بر مبنای جنسیت ممنوع است. تحمیل حجاب و لباسهای ویژه به زنان کارگر در محل کار قدغن است.

رفقای کارگر! نظارت بر اجرای این قانون کار در تمام بخشها و رشتهها بعهده هیات بازرسی محلی و سراسری کارگران است. هیات بازرسی در هر سطحی، از طرف کارگران تعیین میشود. هیات بازرسی کار مجاز است، هر جایی را که کارگر در آنجا کار میکند، مورد بازرسی قرار دهد. این هیات محلهای کار، مثلا کارگاههای خانگی را هم باید و میتواند بدون اجازه قبلی مورد بازرسی قرار دهد.

آنچه که ذکر شد، خطوط کلی یک قانون کار کارگری است که کارگران آن را در برابر قانون کار اسلامی و هر قانون کار غیر کارگری دیگری مطرح نموده و برای آن مبارزه میکنند.

این مطلب سلسه گفتاری است که طی ۵ برنامه رادیوی پخش شده است.



مجامع عمومی رادر کارخانه‌ها و مراکز صنعتی گسترش دهیم

مطالبات دیگر مبارزه میکردند، نقش داشتند.

از سال ۶۰ به اینطرف با گسترش سرمایه‌گذاریهای دولتی و خصوصی، در کردستان هم چندین کارخانه و تعداد بیشتری کارگاه بزرگ مثل کارگاههای تراشکاری، ریخته‌گری و جوشکاری و... دایر شدند. در حال حاضر تعداد چشمگیری کارخانه و کارگاههای کوچک و بزرگ توسط دولت و بخشهای مختلف دولتی مثل سازمان گسترش و شرکت توسعه سرمایه گذاری غرب در کردستان دایر شده است.

سال ۶۰ سرآغاز کوشش کارگران کردستان در کارخانههای پوشاک، شاپو و... برای برپایی مجمع عمومی بود. این کارخانهها و مراکز کارگری اساسا در شهر سنندج بودند. در ابتدای کار کم تجربگی کارگران در این عرصه و مانعت مستقیم صاحبان کارخانه و اداره کار رژیم، شکل دادن به این مجامع عمومی را برای کارگران مشکل کرده بود. اما با این حال در چند کارخانه و مرکز کارگری کارگران با بهره‌گیری از توازن قوای مساعد آن زمان توانستند در محلهای کارشان مجامع عمومی منظم برپا کنند. تشکیل مجمع عمومی بمثابة تشکل مبارزاتی کارگران خود هدف مبارزاتی این بخش از کارگران بود. این بخش از کارگران کردستان که در آن موقع - سال ۶۰ - تعدادشان به مراتب کمتر از امروز بود، به کمک تعادل قوای مساعدی که در جامعه وجود داشت و همچنین در ارتباط با تعدادی از مراکز کار و کارخانههای ایران که در آنها جنبش شورایی در جریان بود، توانستند به این مجامع عمومی سر و سامان بدهند. در مجمع عمومی کارخانه شاپو کارگران تصمیم گرفتند، برای مشورت و کسب تجربه، نمایندگان خود را پیش شوراها و کارخانههای مناطق خارج از کردستان مثلا شورای کارخانه قرقره زیبا در تهران و... بفرستند. این عمل در

کارگری و تشکل یابی سطح بالا و پیشروی از اعتراضات کارگری را از خود نشان داده اند.

ما اغلب در مورد مجمع عمومی در رشتههای مختلف صحبت کرده‌ایم اما وقتی به مبارزه و تجربه کارگران کارخانهها و مراکز صنعتی در کردستان برای متشکل شدن توجه میکنیم نمونه‌هایی را می‌بینیم که توجه به آنها و استفاده از تجارب بدست آمده، قطعاً ما را در گسترش جنبش مجمع عمومی در کردستان یاری خواهد داد. گرچه تشکیل مجامع عمومی این بخش از کارگران کردستان، در سالهای بعد از قیام و در شرایط قدرت‌گیری جنبش شورایی در ایران و تحت تاثیر این جنبش شروع شد، اما این عرصه از مبارزه کارگران برای متشکل شدن در کارخانهها و مراکز صنعتی همچنان ادامه داشته و به سهم خود در همپستگی، مبارزات و آکسیونهای کارگری نقش داشته است.

در حال بحث و انتقال تجربه این بخش از کارگران کردستان در رابطه با تشکیل مجامع عمومی مساله با ارزشی است که باید برای گسترش و ارتقاء جنبش مجمع عمومی و برپایی شوراهای کارگری مورد استفاده قرار گیرند.

سابقه برپایی مجمع عمومی به شکل ابتدایی آن در کردستان به سالهای قبل از قیام برمیگردد. اما تا آنجا که به کارخانهها و مراکز صنعتی برمیگردد، این مجامع، در سالهای قیام و بعد از آن در کردستان تحت تاثیر تغییرات مهم این دوره بوجود آمدند.

تدارک برگزاری مراسم اول ماه مه در سال ۵۸ در شهر سنندج ابتدا در مجمع عمومی مشترک کارخانه پوشاک و سندیکای خبازان صورت گرفت. در آن زمان مجامع عمومی حتی در هدایت تشکلهای موجود در آن هنگام که در بخشهای مختلف برای حق بیمه و وام بیکاری و برخی

ادامه کاری مجامع عمومی تاثیر مثبت داشت. کارگران از این طریق با چگونگی برپایی مجمع عمومی و شیوه کار آن و با مطالبات کارگران در خارج کردستان مثل افزایش دستمزد، بیمه بیکاری و مبارزه علیه قانون کار رژیم قهلی آشنا شدند. مساله قابل توجه این بود که شوراهای کارخانه‌های خارج از کردستان، در نهایت توان و امکانات خود، نمایندگان مجامع عمومی کارگران کردستان را در برپایی مجامع عمومیشان کمک کردند.

به این ترتیب با دایر شدن چندین مرکز صنعتی و استفاده از تعادل قوا و تجارب جنبش شورایی سراسری، پیشروان کاری در کردستان مجال پیدا کردند، نمونه‌های چشمگیری از برپایی مجامع عمومی منظم و شوراهای کاری را در این مراکز بدست بدهند. تشکیل مجمع عمومی در سالهای بعد و تا همین حالا در کارخانه‌ها و مراکز صنعتی در کردستان که تعدادشان بیشتر هم شده، همچنان ادامه دارد. بطوریکه کارگران کارخانه‌ها و بعضی از کارگاههای بزرگ موفق شده‌اند از مجمع عمومی بعنوان سنگری برای تحقق مطالباتشان استفاده نمایند.

همانطور که اشاره شد، این حرکت ابتدا از کارخانه‌های شاهو و پوشاک شروع گردید، اما کارگران پیشرو این واحدها، با ارتباط گیری و ایجاد رابطه با کارگران کارخانه‌های جدیدالتاسیس آنها را در تشکیل مجمع عمومی کارخانه‌شان کمک کردند. در ادامه این حرکت بود که کارگران ۴ کارخانه کفش زرپیار، کلید و پیریز سازی، میخ فولادی و شیر پاستوریزه با هم برای تشکیل تعاونی مسکن مشترک دست بکار شدند و این کار را با برپایی یک مجمع عمومی مشترک شروع کردند. به این ترتیب مجمع عمومی در شمار بیشتری از کارخانه‌ها گسترش پیدا کرد و به شیوه منظم و هر ۱ یا ۲ ماه یک مرتبه کارگران این واحدها مجمع عمومیشان را تشکیل میدادند. این مجامع همچنین در تشکیل

تعداد دیگری از تشکلهای کاری تاثیر داشتند و همچنانکه اشاره شد این حرکت از سال ۶۰ تاکنون در کارخانه‌ها و مراکز کاری جریان داشته و در مجموع حاصل آن برای کارگران برخی دستاورد مطالباتی و ایجاد همبستگی بیشتر بین کارگران بوده است. پاره‌ای از مبارزات و اعتراضات کارگران و مطالباتی که از طریق مجامع عمومی از سال ۶۰ تاکنون مطرح شده‌اند بطور مختصر عبارتند از: تامین سرویس رفت و آمد، بهداشت محیط کار، استفاده از بیمه‌های مختلف، مسایل رفاهی، افزایش دستمزد، احداث مهد کودک، افزایش مدت شیر دادن مادران به نوزادان شیرخوار، تشکیل کمیته حفاظتی و ایمنی محل کار، تامین لباس و کفش و دستکش، تقاضای مشارکت کارگران در استخدام کارگران جدید، تعیین میزان ساعات کار، ۲ روز تعطیلی هفتگی، لغو اضافه کاری و کار کنتراقی در یک مورد، تامین سالن غذاخوری، تامین یک وعده غذای گرم در محل کار بطور رایگان، علیه اخراج کارگران، تحریم انتخابات شوراهای اسلامی و به شکست کشاندن آن، علیه آموزش نظامی و باج و خراج جنگی، تحمیل تعطیلی پنجشنبه در میان، اعتراض به نحوه پرداخت بن کالاها، بحث درباره قانون کار رژیم و بالاخره تدارک و سازماندهی مراسمهای اول ماه مه.

اینها مطالباتی هستند که در چند سال گذشته در مجامع عمومی این بخش از کارگران کردستان جزو دستور جلسات مجامع بوده و پس از بحث و بررسی درمورد چگونگی تحقق آنها و شیوه مبارزه برای آنها کارگران در هر مورد تصمیم گرفته‌اند. شیوه و شکل مبارزات کارگران به صورت اعتصاب، کم کاری و خراب کردن وسایل تولید، اعتراض دسته جمعی و نوشتن نامه و طومار برای ادارات رژیم و تحریم جلسات فرمایشی رژیم ... بوده است. کارگران به بخش زیادی از این مطالبات دست پیدا کردند و هم اکنون در

تعدادی از مراکز کار آنها را عملی میکنند. مواردی هم وجود داشته که کارگران تنها موفق به تحقق بخشی از این مطالبات شده‌اند.

اما تاثیر این مجامع عمومی تنها به مبارزه کارگران در تحقق خواستها و مطالباتشان محدود نشده و علاوه بر تاثیرشان بر اتحاد و همبستگی کارگران، خود مبنائی برای ایجاد انواع تشکلهای کاری دیگر بوده و مثلا از دل این مجامع عمومی، صندوقهای همبستگی مالی کارگران در کارخانه‌ها و حتی در دیگر مراکز کاری تشکیل شدند. در این مجامع عمومی کارگران از دزدی و حیف و میل در تعاونیهای مصرف که وابسته به دولت بودند صحبت کردند و ضمن اعتراض بوضع این تعاونیها، با تکیه به مجمع عمومی دست به کار ایجاد تعاونیهای مستقل خود شدند. مجامع عمومی کارگران در کارخانه‌ها همچنین تصمیم گرفتند که تعاونیهای مسکن کاری تشکیل بدهند و در چندین کارخانه، این تعاونیها را تشکیل دادند. صندوقهای مالی و تعاونیهای کارخانه‌ها به مجمع عمومی متکی شدند و انتخاب هیات مدیره و امور مربوط به توزیع و کنترل و بازرسی در این تشکلهای تحت اختیار مجامع عمومی قرار گرفت. بطور کلی مجامع عمومی کارخانه‌ها و کارگاههای بزرگ در تثبیت و جا انداختن انواع تشکلهای دیگر در خود این مراکز تاثیر اساسی داشتند.

اما باز هم در رابطه با تاثیرات مجامع عمومی کارخانه‌ها، باید به تاثیرات این مجامع روی دیگر بخشهای کاری اشاره کرد. مجامع عمومی کارخانه‌ها هرچند در مقایسه با کل کارگران کردستان، بخش کوچکی از کارگران را در بر میگیرند اما به دلیل پیشرو بودن در سازماندهی اعتراضات کاری و اتکاء به اراده جمعی کارگران در مجامع عمومی بر دیگر رشته‌ها و بخشهای کاری موثر واقع شده و سبب شدند تا در برخی از واحدها و رشته‌های کاری فعالیت کارگران برای برپایی مجامع عمومی

پرتوان بادمجامع عمومی کارگران

مجامع عمومی را . . .

شروع شود و صندوقهای همیستگی مالی و تعاونیهای مستقل مصرف و مسکن به مشغله کارگران دیگر رشتهها تبدیل گردد و حتی کارگران پیشرو برای متکی کردن سندیکا و اتحادیه و تشکلهای موجود به مجامع عمومی کوشش نمایند.

موارد فوق تحت تاثیر مجامع عمومی کارخانهها در کردستان واقع افتاد. در حال حاضر هم این مجامع وجود دارند و به فعالیت خود ادامه میدهند.

در اینجا لازم است در مورد آینده این مجامع عمومی صحبتی بکنیم. فعالیت کارگران در این مجامع عمومی باید در جهت گسترش و منظم کردن آنها پیش برود. در سالهای اخیر علیرغم تحمیل بیکاری و فشار سرکوبگرانه از طرف رژیم و سرمایه داران، کارگران به شیوههای مختلف برای خشتی کردن دست درازی و توطئههای کارفرمایان و دولتشان، از مجامع عمومی استفاده کردند و نشان دادند که استفاده از این تشکلهای در شرایط تعادل قوای فعلی عملی و ممکن است، به شرطی که کارگران پیشرو با کاردانی و اقدام درست و به موقع در هدایت این تشکلهای بکوشند. در این رابطه همانطور که اشاره کردیم کارگران تجارب باارزشی دارند که باید از آنها استفاده نمود. از طرف دیگر رژیم اسلامی و سرمایه داران ریز و درشت در راستای برنامه ۵ ساله و به قول خودشان برای آباد کردن مملکت، چشم طمع به نیروی کار کارگران دوخته شده و آنها بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم و از طریق سازمانهای توسعه و بنیاد مستضعفین و جهاد سازندگی و... مشغول سرمایه گذاری و احداث و راه اندازی تعداد چشمگیری کارخانه بزرگ و کوچک در کردستان هستند. مثل کارخانههای آجر ماشینی، نمک، شیر پاستوریزه، سنگ بری و کارخانه بزرگ چیت ری واحد شماره ۲ در سنندج، کارخانههای شهر مهاباد و حومه آن، کارخانه سیمان غرب در دیواندره و چندین واحد و مرکز صنعتی دیگر در شهرهای مختلف.

در این مراکز هم که در حال حاضر در تعدادی از آنها کارگران مشغول کارند باید سنت و تجربه مجامع عمومی کارخانهها پدست گرفته شود. برای سازماندادن مجامع عمومی در این مراکز باید کوشش نمود ارتباط بین پیشروان کارگری در سطح کارخانههای مختلف و حتی ارتباط با پیشروان کارگری دیگر شهرهای ایران برقرار شود. همین امروز کلی حق و حقوق کارگران در فضای فشار و خفقان بوسیله رژیم و سرمایه داران پایمال شده و لیستی طولانی از خواستها و مطالبات کارگری در همه جا وجود دارد که میتواند و باید در جلسات مجامع عمومی کارگران در کارخانههای جدید هم مورد بحث و مشورت قرار گرفته و کارگران در مورد چگونگی تحقق آنها در مجامع عمومیشان تصمیم بگیرند.

مطالباتی از قبیل افزایش دستمزد به نسبت گرانی و تورم و به نسبتی که بتوان با آن زندگی یک خانواده ۵ نفره را به شیوهی انسانی و درحد امکانات امروز جامعه تامین کرد، کاهش ساعات کار به ۳۵ ساعت در هفته و به رسمیت شناختن نیازمندیهای انسانی و اجتماعی کارگران به لحاظ تفریحی، ورزشی، علمی، فرهنگی و هنری و... مبارزه علیه قانون کار ضد کارگری رژیم سرمایه داران و مبارزه برای به اجرا درآوردن قانون کار کارگری از مهمترین مطالباتی هستند که مجامع عمومی بخش پیشرو کارگران کردستان باید همزمان با کل جنبش کارگری ایران برای متحقق کردن آنها بکوشند. سال گذشته مبارزات

زنده یاد مبارزات کارگری برای گسترش جنبش مجمع عمومی و برپایی شورهای کارگری.



یک نامه از رفیق جانباخته، کارگر معترض

جمال چراغ ویسی

اول ماه مه روز جهانی کارگر سال ۶۵، بعد از ظهر ساعت ۱ هنگامیکه کارگران محل جهت رفتن به مراسم در گوشه‌ای جمع میشدیم تا دسته جمعی به مراسم برویم، حمید را دیدم که با چند نفر از کارگران با هم دست میدادند، وقتی به هم رسیدیم، ما هم مثل دیگران هر چند تا آن موقع برخورد زیادی و حتی برخورد جزئی هم با هم نداشتیم، اما به خاطر خصلت وجودیمان و کارگر بودنمان خیلی زود با همدیگر آشنا و صمیمی شدیم و همگی با هم به مراسم رفتیم و در یک ردیف صندلی قرار گرفتیم. موقع نشستن حمید نژد من نشست و درباره روز جهانی کارگر و چگونگی آن شروع به بحث کردیم و قول دادیم که در صورت سخنرانی رئیس اداره کار (اقلامی جنتایتکار) طبق برنامه‌ای که اعلام کرده بودند، سالن را تا پایان صحبت‌های او ترک نمائیم و در این رابطه کارگران دیگر را در جریان گذاشتیم و همگی با هم همصدا شدیم. بعد از مدتی اقلامی آمد و سخنرانی را شروع کرد و ما همگی سالن مراسم را ترک کردیم و تا پایان سخنرانی او در حیاط کارخانه پوشاک ماندیم. بعد از پایان مراسم یک جعبه شیرینی را که از مراسم باقی مانده بود با هم در بین کارگران ساختمانی که در آن اطراف کار میکردند پخش نمودیم. هنگام مراجعه به محل در راه در مورد مراسم روز جهانی و دستاوردهای آن بیشتر با هم حرف زدیم و از آن پس در ارتباطی اجتماعی نظیر رفت و آمد خانوادگی با یکدیگر قرار گرفتیم و توانستیم بیشتر همدیگر را بشناسیم و با نظرات همدیگر بیشتر آشنا شویم و در مورد مسایل مختلف اجتماعی هم با هم حرف میزدیم. اوایل تابستان به دلیل اینکه در شهر بیگار بودم و احتیاج زیادی به کار کردن داشتم، مجبور شدم برای مدتی در خارج از کردستان مشغول کار شوم. (البته ارتباط و نزدیکی با حمید همچنان ادامه داشت اما پشکلی محدودتر و بطور جزئی) مدت ۴ ماه

نمائیم. نمونه آن پیوند با صندوقهای تعاونی مالی دیگر بود. نمونه بارزتر آن در هماهنگی ما بود که اکثر پیشنهاد تشکیل کمیته‌های مختلف اجرایی از طرف ما مطرح میشد و اکثر آنها تشکیل گردید و مشغول فعالیت شدند. البته در این مدت بعلت بیکاریهای مداوم و کمبود مالی، من باز هم مجبور به ترک کردستان شدم و در خارج کردستان در یک کارخانه نان ماشینی شروع به کار کردم، که قبلا نیز در آنجا کار کرده بودم. البته وقتی که قبلا در آنجا بودم با رفقای صندوق تعاون مالی ساخته بودیم که کارگر کارخانه و چند کارگاه قنادی بودند. در آنجا هم در آن وقت از مسائل کارگری و مسائل روزمره کار بحث میکردیم. بعد از مدتی در آنجا بدلیل کمبود کار تعدادی از رفقا متفرق شده بودند. این دفعه وقتی که من به آنجا رفتم صندوق را بحالت اولیه بازگردانیدیم و کلاسهای سوادآموزی را تقریبا کارها درست شد. من موقع بازگشتن گزارش کار آنجا را به مسئولین صندوق و مخصوصا به حمید دادم. نزدیک زمستان بود که من دوباره برگشتم و فعالیت را در صندوق ادامه دادم، تا اینکه مراسم روز جهانی کارگر سال ۶۷ پیش آمد. من از همان اوایل با هیات اجرایی ارتباط نزدیک و غیر مستقیم داشتم. بوسیله حمید که مسئول هیئت بود در جریان کامل کارها قرار میگرفتم و نظرات و پیشنهادها را با حمید در میان میگذاشتم. در رابطه با جمع آوری کمکهای مالی برای برگزاری مراسم، چاپ و تکثیر قطعنامه و پخش آن در سطح شهر و در کارخانهها و کارگاهها به همراه یک نفر دیگر و نظارت و تقسیم کار در مورد پخش شیرینی در محلات زحمتکش نشین که شامل محل ما و دیگر محلات اطراف بود فعالیت زیادی از خود نشان دادم. البته بنا به داشتن وظیفه در قبال آن روز و نه چیز دیگر. سپس با ایجاد کمیته‌های اجرایی در

در آنجا بودم و درآبانهام به شهر سنندج بازگشتم و ارتباطم را با حمید بیشتر کردم تا اینکه مساله تشکیل صندوق تعاونی مالی پیش آمد که از من هم دعوت کردند و من نیز از آن استقبال نمودم و به عضویت صندوق درآمدم. از آن پس ارتباطمان بشیوه جدیدی برقرار شد. رفت و آمد خانوادگی ما افزایش یافت و بیشتر وقتمان را صرف بررسی مسائل کارگری و مسائل صندوق میکردیم تا اینکه مراسم روز جهانی کارگر سال ۶۶ پیش آمد. حمید در اتحادیه چرم سازان بعنوان نماینده صنف قالبیافها حضور داشت. من همراه او به سنندیکای چرم سازان مراجعه میکردم و در آنجا با چند نفر کارگر سنندیکا آشنا شدم و از آن پس آشنایم بیشتر شدند. ما هر دو یک درد داشتیم متحد نبودن! و یک خواست هم داشتیم متحد شدن! در این رابطه در محل با همکاری یکدیگر و سایر اعضای صندوق تبلیغات زیادی را برای برگزاری هرچه باشکوهتر مراسم و شرکت فعالتر در آن شروع کردیم و توانستیم تعداد زیادی از اهالی محل را در مراسم شرکت دهیم و میلی پول که در محل جهت کمک به مراسم جمع آوری شده بود به حمید که مسئول تهیه شیرینی مراسم بود، تحویل دادیم. البته مقداری از این مبلغ پول را به خرید شیرینی جهت توزیع در محل اختصاص دادیم و من در خرید شیرینی، بسته بندی و نوشتن شعار روی پوستهای کاغذی شیرینی‌های داخل بسته‌ها و پخش آن به حمید کمک کردم. بعد از پایان مراسم و موقع مراجعه به محل، شیرینی‌هایی را که برای توزیع در محل آماده کرده بودیم با نظارت من و حمید و رفیق دیگری، در محل خودمان و محلات اطراف پخش کردیم. در این جریان بود که ارتباط ما نزدیکتر شد و بیشتر وقتمان را صرف مسائل کارگری و نحوه افزایش اعضاء صندوق و پیشرفت بیش از پیش کارها میکردیم و توانستیم اعضاء بیشتر و فعالتر را جذب

ما حزب کمونیست ایران را انتخاب نمودیم زیرا حزبی کارگری است، درد را می‌شناسد و چاره را پیدا کرده است، پس با آن هماهنگ می‌شویم، نظرات و سیاستهای آن را در کارهایمان می‌کنجانیم تا از صرف انرژی بيمورد جلوگیری نماییم. به این دلایل و دها و بلکه صدها دلیل منطقی دیگر خواستار ارتباطی نزدیک و همگام با او هستیم تا کارهایمان را بیشتر و درستر انجام دهیم و بتوانیم پیشروتر باشیم تا تحت رهبری حزب قرار گیریم و حزب از فعالیت ما اطلاع داشته باشد و ما را راهنمایی نماید.



کارگری ما بایستی مسلح به آگاهی کمونیستی کوبنده باشد تا خود را از یوغ استثمار برهاند، بایستی رهنمودهای کارگری را از یک نظم و سازمان کمونیستی بدست آورد زیرا که کمونیسم راه رهایی بخش کارگران است، باید به مارکسیسم مسلح شد و در این راستا بود که حزب کمونیست ایران، حزب کارگران و رنجبران را برگزیدیم. زیرا آن را یک حزب پرولتری میدانیم. عملکرد چندین ساله او در ارتباط با جنبش کارگری و کمونیستی ایران مشخصه آن است. ما توانستیم در بین کارگران چه از طریق مجامع عمومی کل کارگران، چه به شیوه ارتباط با اعضا یک صندوق تعاونی مالی و چه بصورت شرکت در سندیکاها و محفلهای کارگری و شرکت در مراسمهای کارگری، نفوذ قابل توجهی پیدا بنمائیم.

صندوق من بعنوان مسئول تعاون کار همراه حمید و یک رفیق زن دیگر تعیین شدیم و علاوه بر آن مسئول گروه هنری - فرهنگی شدم که در این زمینه نماینده‌های بنام "پدنبال کار پیدا کردن" را ساختم که هم اکنون با رفقای دیگر روی آن تمرین میکنیم و مسئولیت نوشتن و آماده کردن ماهانه نشریه پیام هم به من سپرده شد و مدتی طبق اساسنامه مسئول صندوق شدم و از طرف اعضا برای این کار انتخاب شدم. هم اکنون مسئول تعاون کار و گروه هنری - فرهنگی و نشریه پیام هستم. در این جریان ارتباط من با حمید به یک ارتباط کارگری عمیقتری کشیده شد و به یک رابطه کمونیستی انجامید زیرا معتقد بودیم که: کارگران با نیروی خود آزاد میگردند و نیروی آنها در اتحاد آنها است، جنبش

بقیه از صفحه ۳۴

بازهم در مورد بیکاری

ضرب فشار بیکاران نجات دهند و کارگر خارجی را عامل بیکاری معرفی کنند. نفع دیگر این تبلیغات ضد کارگری برای سرمایه داران، ایجاد تفرقه بین کارگر ایرانی و افغانی است. متأسفانه این تبلیغات مسموم کننده بی تاثیر هم نبوده، کم نیستند کارگرانی که فکر میکنند کارگران افغانی بانی افزایش بیکاری و کاهش دستمزدهایشان هستند. در شهرهای کردستان بویژه جاهایی که کارگران کرد عراقی کار میکنند، افزایش بیکاری را به حضور آنها ربط میدهند. در نتیجه این تبلیغات، تعدادی از کارگران فقط به ظاهر قضیه توجه میکنند و ریشه بیکاری را نمی بینند و فکر میکنند علت بیکاری واقعا وجود کارگر خارجی است اعم از افغانی و یا عراقی.

به این ترتیب سرمایه داران در کنار ایجاد تفرقه، ضد کارگری ترین افکار را در میان خود کارگران رواج میدهند، افکاری که مستقیماً علیه منافع کارگران است. آنها به این فکر نمیکنند که بیکاری دلایل اساسی تری دارد و هم اکنون از آمریکا و اروپا گرفته تا آسیا و آفریقا و در تمام گوشه‌های جهان بیکاری وجود دارد. اگر در اینجا مقصر کارگر افغانی است، در سایر کشورها مقصر کیست؟ این افکار ضد کارگری و ارتجاعی که کارگر

همه مردم کار پیدا نمیشود، در این رابطه رادیوهای رژیم با اشاره به آیات و احادیث بر سر اهمیت جلوگیری از بارداری و حاملگی صحبت میکنند. آنها فراموش کرده‌اند که در زمان جنگ باز هم با اشاره به همین آیات و احادیث قرآن استدلال میکردند که جلوگیری از حاملگی نادرست است، چرا که در ایام جنگ برای خنثی کردن میادین مین در جبههها و به خاطر حفظ حاکمیت اسلام و سرمایه داران به نیروی انسانی و گوشت دم توپ احتیاج داشتند.

سرمایه داران دلایل دیگری هم برای بیکاری مطرح میکنند. آنها هر وقت که خواسته اند از دزدی، چنایت و فروش مواد مخدر و... صحبت کنند، مسبب این کارها را آوارگان افغانی معرفی کرده‌اند. آنها در مورد بیکاری هم میگویند بخشی از وجود بیکاری در ایران بعلت وجود ۲ تا ۳ میلیون کارگر افغانی است و به این ترتیب به شیوه‌های کاملاً عوامفریبانه سعی در سرپوش گذاشتن بر علل واقعی بیکاری دارند و میخواهند خود را از زیر

روستا سبب شده‌اند بیکاری زیاد شود و برای این همه آدم بیکار کار پیدا نشود! نه تنها در رابطه با بیکاری بلکه در مورد گرانی هم خیلی مواقع دلایل مشابهی را ذکر میکنند، آنها میگویند، چون مردم روستا از نانوائی های شهر نان میخرند، نان کمیاب و گران است و همین حرفها، بارها و بارها از زبان ثروتمندان و خرده بورژواهای مرفه و بی خیر از مردم تنگدست تکرار میگردد.

رژیم برای کاهش فشار کارگران بیکار، خیلی مواقع تبلیغات رادیویی براه انداخته و از کارگران و مردم تنگدست میخواهد به روستاهایشان برگردد. رژیم حتی گاهی وقتها پیشروانه از زندگی ساده و خوش روستا که مملو از قناعت است صحبت میکند و نه تنها از مردم محروم میخواهد به زندگی بدون امکانات و به زندگی در روستا رضایت دهند بلکه تلاش دارد بین کارگران شهر و ده تفرقه ایجاد نماید.

حرف دیگر سرمایه داران و دولتشان در مورد علت بیکاری افزایش جمعیت است. آنان میگویند با افزایش جمعیت برای این

خارجی را مسبب بیکاری میداند، در بسیاری از کشورهای اروپایی از سوی گروههای راسیست و فاشیست هم وسیعاً تبلیغ میشود، مثلاً در آلمان به کارگر آلمانی میگویند، اگر ۲ تا ۳ میلیون کارگر خارجی مقیم آلمان اخراج گردند، بیکاری خاتمه پیدا میکند و همه آلمانیها صاحب کار میشوند. آنها به این ترتیب میخواهند عامل اصلی بیکاری را که نظام سرمایه داری است، پنهان کنند و کارگر را به دشمن کارگر تبدیل کنند. سرمایه داران با دستمزد کم کارگر خارجی را استخدام میکنند و در عین حال برای ایجاد تفرقه بین کارگران علیه کارگر خارجی به تبلیغات میپردازند.

بهرحال سرمایه داران در کنار دلایل مختلفی که بعنوان علت بیکاری مطرح میکنند و حول آنها تبلیغ میکنند، راه حلهای گوناگونی هم ارائه میدهند، آنها ریاکارانه میگویند، بروید کار پیدا کنید، بروید کار کنید، فلان تئوری است، ول میگردد، دنبال کار نبروید... اینها تکیه کلام و حرفهای سرمایه داران است که از طرف افراد مختلف آگاهانه و یا ناآگاهانه تکرار میگردد. پارسال رفسنجانی با عصیانیت زیاد خطاب به کارگران بیکار گفت: "چرا دنبال کار نمیروید، چرا تنبلی میکنید، اگر کار نیست پس ۲ تا ۳ میلیون کارگر افغانی در ایران، چطور کار پیدا کرده اند و زندگی خود را تامین مینمایند." رفسنجانی به این ترتیب الگوی یک زندگی نکبت بار و غیر انسانی را که به کارگر افغانی تحمیل شده در مقابل کارگر بیکار قرار میداد.

مذهب و دم و دستگاه مذهبی هم همیشه در خدمت به سرمایه داران سنگ تمام گذاشته اند. عبارت "از تو حرکت از خدا برکت" از جمله مزخرفاتی است که سالها است بخورد کارگران میدهند تا کارگر را وادار کنند بیشتر کار کند، با دستمزد کمتر کار کند و بیشتر مورد استثمار قرار گیرد تا بالاخره چیزی نصیب

شود و برکت خدا شامل حالش گردد. آنها گاهی یک نفر را از میان هزاران نفر که با هزار فلاکت و بدبختی به نان و نواهی رسیده، نشان میدهند و میگویند فلانی خودش را خسته کرده، زحمت کشیده و دنبال کار رفته و ثروتمند شده است! به نسیبتی که کارگران تحت تاثیر این افکار و حرفهای ارتجاعی و تبلیغات مذهبی سرمایه داران قرار گیرند، کارگر بجای اعتراض علیه سرمایه داری و سرمایه داران که عامل بیکاری هستند به شغلها و کارهای پست روی میآورد و به هر دری میزند تا زندگی بخور و نمیری را برای خود و خانواده اش فراهم نماید.

مجموعه تبلیغات سرمایه داران و مذهبی و دم و دستگاه حاکمان سرمایه دار تا حدودی بر ذهن کارگران تاثیر گذاشته است به طوری که بخش زیادی از کارگران بجای اینکه برای کار یا بیمه بیکاری یقه دولت را بچسبند، بطور فردی دنبال انواع کار میروند و برای رهایی از چنگ بیکاری به هر کاری تن میدهند غیر از تحت فشار گذاشتن و اعتراض به رژیم و اداره کار و مقامات مسئول.

علاوه بر اینها بخصوص در میان کارگران فصلی سنت نسبتاً جا افتاده ای وجود دارد، در فصل کار خود را به آب و آتش زده و با قبول کار کنتراستی، روزانه ۱۰، ۱۲ ساعت به کار کشاورزی و ساختمانی و... میپردازند، به اضافه کاری تن میدهند و تحت شرایط غیر انسانی هر کاری را میپذیرند، کودکانشان را بکار میکشند و با شکم گرسنه و فقر زندگی میکنند تا شاید برای فصل بیکاری یعنی پاییز و زمستان، پس انداز داشته باشند. این شیوه کار نیز به دو لحاظ به نفع سرمایه داران است، از یک طرف در فصل کار، کارگران هرچه بیشتر و بشدت کار میکنند و به درآمد و منافع سرمایه داران میافزایند، کارگر علی القاعده در مقابل روزکار ۷ ساعت میبایست میزان دستمزدی را دریافت کند که بخوبی زندگی را

تامین کند، در حالیکه با روز کار ۱۰، ۱۲ ساعته و یا کار کنتراستی ۱۶ و ۱۷ ساعت کار در روز نه تنها زندگی تامین نمیشود بلکه بدترین نوع زندگی را هم متحمل میشود و از طرف دیگر با این شیوه از کار، کارگر بجای اینکه در فصل بیکاری رژیم را برای پرداخت بیمه بیکاری تحت فشار قرار دهد، نداشتن هرگونه درآمدی را در این فصل سرنوشت محتوم خود میداند و تلاش میکند با پس انداز ناچیزش و همچنین با دستفروشی و دکه داری و کارهایی از این قبیل، فصل بیکاری یعنی پاییز و زمستان را پشت سر بگذارد و خود و خانواده اش را به بهار برساند.

از نظر کارگران کمونیست، علت وجود بیکاری دلایل غیر واقعی و یاوه سرائیهای نیست که سرمایه داران، مذهب و دولتشان مطرح میکنند. هیچکدام از این مسائل، روی آوری کارگران و مردم زحمتکش روستا به شهر، افزایش جمعیت و وجود کارگر خارجی و... علت وجود بیکاری نیست و راه حل مشکل بیکاری هم جوابی نیست که سرمایه داران و مذهب به آن میدهند.

از نظر کارگران کمونیست مسبب اصلی بیکاری نظام سرمایه داری است و بیکاری محصول دائمی این نظام است و تنها با نابودی نظام سرمایه داری است که بیکاری از بین میرود. این حقیقت را که بیکاری جزو ذات سرمایه داری است، بسیاری از بورژواها بخصوص اقتصاد دانان سرمایه داری هم پذیرفته اند و به آن اعتراف میکنند. سران جمهوری اسلامی بارها گفته اند بیکاری یک مشکل جهانی است و تمام کشورها با آن روبرو هستند. در این جهان که میلیونها کارگر بیکار وجود دارد مناسبات طبقاتی و سرمایه داری حاکم است، در این نظام اجتماعی اقلیتی استثمارگر حاکم بر هست و نیست جامعه و تولید هستند و کارگران فقط از طریق فروش نیروی کارشان امرار معاش مینمایند. البته در مواردی سرمایه داران خود بی

دستمزدها فوراً باید افزایش یابند!

بازهم در...

پرده گفته‌اند که وجود بیکاری و کارگر بیکار به نفعشان است، چرا که اگر کارگر بیکار وجود نداشته باشد، کارگران شاغل خوب کار نمیکنند. اینها حرفهای کار بدستان رژیم بود که سال گذشته در میز گرد رادیویی مطرح کردند. قانونمندی نظام سرمایه داری حکم میکند که تولید در خدمت کسب سود و تامین منافع سرمایه داران قرار گیرد. در جامعه سرمایه داری کنترل تولید در دست سرمایه داران است و آنها برای سود بیشتر و افزایش سرمایه‌شان تولید میکنند. در جامعه سرمایه داری تولید نه برای رفع احتیاجات بشر بلکه برای سودآوری هرچه بیشتر سرمایه داران انجام میگردد. بنابراین این سرمایه داران هستند که تصمیم میگیرند بنا به منافعشان چه چیزی را تولید کنند و به چه میزانی تولید کنند و چقدر کار صورت پذیرد. کارگر در این میان نقشی ندارد و فقط نیروی کارش را میفروشد و این سرمایه‌دار است که باید حاضر به خرید نیروی کار کارگر باشد و به نفع خود از آن بهره‌برداری کند. صاحب کوره‌ای که ببیند قیمت آجر بالا است و سود زیادی عایدش میشود، کارگران بیشتری را استخدام میکند و اگر صاحب فلان کارخانه هم متوجه شود سودی حاصلش نمیشود، در کارخانه‌اش را میبندد و علاوه بر اینکه هیچ کاری را استخدام نمیکنند، کارگران شاغل را هم اخراج مینماید. سرمایه‌دار در هر چایی به این منوال رفتار میکند تاجر بازاری اگر ببیند کالایی در بازار گران میشود، آن را در انبار احتکار میکند، حال اگر میلیونها نفر به این کالا نیاز داشته باشند مهم نیست و مادام که سود سرشاری برای تاجر در بر نداشته باشد، در انبارش باز نمیشود.

گاهی وقتها سرمایه داران حاکم در ایران میگویند بیکاری وسیعی که وجود دارد بعلت ورشکستگی اقتصادی است در حالیکه اگر اقتصاد در اوج رونق هم باشد، در نظام سرمایه‌داری بیکاری ضرورتاً وجود خواهد داشت. وقتی آنها میگویند وضع

اقتصادمان خوب نیست، در واقع منظورشان این است که سود زیادی عایدشان نمیشود. روشن است که کارخانه‌ها و کارگاهها و سایر مراکز کارگری وقتی سودی برای سرمایه داران در بر نداشته باشند تعطیل میشوند و میلیونها کارگر بیکار میشوند، در چنین مواقعی آن بخش از کارگران که هنوز اخراج نشده‌اند تحت شدیدترین فشارها قرار میگیرند تا بیشتر کار کنند. برای نمونه در ایران از کارگران شاغل میخوانند بیشتر کار کنند تا تولید افزایش یابد و وضع اقتصادی اسلام بهتر شود و در همان حال دهها هزار کارگر را بیکار میکنند و حاضر نیستند به آنها کار بدهند. زمانی هم که گفته شود وضع اقتصادی ایران خوب است به معنای بهبود زندگی کارگر نیست و تعداد زیادی از کارگران بیکار خواهند ماند. مثلاً اگر هم اکنون وضع اقتصادی ایران بهتر شود و کارخانه‌های بیشتر و دستگاههای پیشرفته وارد ایران گردد و کیفیت تکنولوژی و صنعت ارتقاء پیدا کند، در اثر کاربرد دستگاههای پیشرفته به نیروی کار کمتری احتیاج است و در نتیجه اگر کارخانه‌ای قبلاً با ۵۰۰ کارگر کار میکرد اکنون با ۲۰۰ کارگر میچرخد و به این ترتیب سرمایه‌دار ۳۰۰ کارگر را اخراج میکند. برای مثال در کره جنوبی وضع اقتصادی بسیار خوب است، اما وضع کارگران بدتر شده است. در کره جنوبی به علت وجود تکنولوژی سطح بالا به کارگر کمتری احتیاج است و کارگران بیشتری از کار بیکار شده‌اند. سرمایه داران کره جنوبی به کمک دستگاههای پیشرفته الکترونیکی نه تنها کارخانه‌ها و محل کار بلکه توالت و دستشوییها را هم تحت نظر میگیرند تا کارگرانی را که وقت گذرانی کنند و با شدت زیاد کار نکنند، تحت تعقیب قرار داده و اخراج نمایند. و یا در همین کره جنوبی میلیونها کارگر بیکار را پشت در کارخانه‌ها و مراکز کارگری نگه میدارند تا در صورت اخراج کارگران رسمی آنها را استخدام نمایند.

هم اکنون سیاست و برنامه اقتصادی جمهوری اسلامی و سرمایه داران ایران در جهت جذب تعداد بیشتری از کارگران

نیست، بلکه آنها میخواهند با استفاده از تکنولوژی پیشرفته و تحمیل فشار به کارگران، سطح تولید را بالا ببرند. مدتی قبل رژیم اعلام کرد از این به بعد باید بارآوری کار بالا رود، یعنی بدون استخدام کارگر جدید تولید افزایش یابد. البته با ازدیاد کارخانه‌ها و مراکز جدید کار تعدادی کارگر جدید استخدام میشوند، اما این اصلاً جوابگوی افزایش بیکاری نبوده و اگر سالانه ۱۰۰۰۰ کارگر جدید استخدام شود، در عوض صد هزار کارگر بیکار به صف بیکاران ملحق میگردد. بنابراین بیکاری کاهش پیدا نمیکنند و وضع اقتصادی سرمایه‌داران خوب باشد و یا بد، در هر دو حالت بیکاری وجود خواهد داشت، حال ممکن است نسبت بین کارگران شاغل و بیکار در مقاطع مختلف با هم فرق کند.

واقعیت این است که سرمایه داری به هر دو بخش کارگران یعنی کارگران شاغل و بیکار احتیاج دارد. اگر میلیونها کارگر بیکار وجود نداشته باشد، چه کسی به کار سخت و کنتراستی در کوره و قالبیافی... تن میدهد، صاحبان کوره در دنیایی که صنعت در اوج رشد و پیشرفت است، سرمایه گذاری در کوره را بر سرمایه گذاری در کارخانه آجر ترجیح میدهند، چرا که در سایه وجود بیکاری وسیع و دستمزد پائین و کار کنتراستی و شرایط وحشیانه استثمار، سرمایه گذاری در کوره برای آنها به صرفه‌تر است. در کارخانه‌ها و ادارات دولتی و در همه جا، وجود کارگران بیکار موجب کاهش دستمزد کارگران شاغل میشود. کارگران شاغل هر وقت دست به اعتراض بزنند، آنها را تهدید به اخراج میکنند و میگویند کارگر بیکار زیاد است و جایتان را پر میکنند. در سایه وجود بیکاری وسیع دست هر سرمایه دار و صاحبکاری در تحمیل کار زیاد و شدید به کارگران کاملاً باز است و باز در سایه وجود بیکاری روزافزون، کارگر شاغل برای تامین زندگی‌اش تن به اضافه کاری میدهد که خود اضافه کاری هم به استخدام کمتر کارگران و افزایش بیکاری کمک میکند. خلاصه سرمایه داران با وجود سیل وسیع بیکاران همیشه اهرم فشاری را علیه کارگران شاغل بدست میگیرند و شرایط

سخت تری را به آنها تحمیل میکنند و نیروی کار ارزانی را بخدمت میگیرند.

اگر سرمایه داری نظامی وارونه است که در آن اکثریت انسانها کار میکنند و تولید میکنند و چرخهای زندگی را به گردش در میآورند و تمام نعمتهای دنیا را میآفرینند و در عوض اقلیتی استثمارگر و مفت خور بدون کمترین کاری تمام این نعمات و ثروتها را تصاحب میکنند، بیکاری هم زائده این نظام وارونه و ناپراهر است. با پیشرفت علم و دانش و تکنولوژی بجای اینکه زندگی بشر بهبود یابد، تعداد هرچه بیشتری از انسانها بیکار میشوند و زندگیشان تپاه میگردد. خلاقیت و استعداد انسان مولد بطور روزافزون زیاد میشود، کیفیت تولید بالا میرود و در کنار آن روز به روز بیکاری هم افزایش مییابد و تعداد بیشتری از دسترنج خود بی بهره میشوند. به راستی این نظام گندیده و وارونه و ضد بشر است.

بنابراین روشن است که بیکاری جزو ذات جامعه سرمایه داری است و مادام این نظم و نظام پابرجا باشد بیکاری هم وجود خواهد داشت. برای اینکه بیکاری ریشه کن گردد، باید وسایل تولید را از دست سرمایه داران درآورد تا تولید براساس سود و منافع آنها سازمان داده نشود و استعداد و خلاقیت انسانها درجهت تامین نیازمندیهای بشر و جامعه بشری و تامین خوشبختی انسان، شکوفا گردد. وسایل تولید باید از تصاحب سرمایه داران خارج گردد تا آنها نتوانند در مقابل پرداخت دستمزد به کارگران دنیا و نعمات و خوشبختی آن را از آن خود سازند.

وسایل تولید باید اشتراکی گردد و در اختیار جامعه قرار گیرد و برای تامین نیازمندیهای جامعه سازمان یابد. در این حالت دیگر از کار مزدی و استثمار کارگر خبری نیست و بیکاری هم وجود ندارد، هر کس به اندازه توانش کار میکند و به اندازه نیازش از نعمات جامعه بهره مند میگردد. نابودی این نظام وارونه و بیرون آوردن وسایل تولید از چنگ سرمایه داران و اشتراکی کردن آنها، فقط با انقلاب کارگری ممکن است. فقط با انقلاب

کارگری میتوان مناسبات سرمایه داری را از بین برد و سوسیالیسم را مستقر کرد و به هر گونه ناپراهری و مصائب و مشقات ناشی از سرمایه داری که بیکاری هم یکی از آنها است، خاتمه داد.

درک ریشه و علل بیکاری به ما کمک میکند که هرچه بهتر زیاکاری و مزخرفات سرمایه داران و دم و دستگاه تحقیقاتی و تبلیغاتی شان را دریابیم. کدام کارگر آگاهی ازدیاد جمعیت را عامل فقر و بیکاری میداند! امروزه توان بشر در تولید احتیاجات جامعه بحدی بالا است که اگر حاکمیت گندیده و مناسبات سرمایه داری برچیده شود، این مقدار تولید برای تامین زندگی تمام افراد جامعه کفایت میکند و جمعیت اضافی هم مشکلی بوجود نمیآورد. کارگران آگاه میدانند علت بیکاری، جمعیت اضافی نیست بلکه حاکمیت مناسبات سرمایه داری و حاکمیت سرمایه داران و سیاستمداران و شکنجه گران و زندانبانان دنیای سرمایه داری است! پله، نیروهای سرکوبگر، دم و دستگاه عریض و طویل و ادارات مافوق مردم و دولتهای سرمایه داری و مجموع این انگلهای جامعه، پائی فقر و فلاکت و وجود مصائب فراوان و ازجمله بیکاری هستند. پله، آقایان سرمایه دار، این حاکمیت کثیف و زائد شما است که مانع رشد استعداد و خلاقیت انسانها و تامین نیازمندیهای جامعه است! با نابودی حاکمیت شما، جامعه بشری میداند چگونه زندگی خود را سازمان دهد.

رفقای کارگر! ما باید با گذشت هر روز خود را بیشتر برای انقلاب کارگری آماده کنیم، باید هرچه بیشتر متشکل شویم و در عین حال تا وقتیکه سرمایه داری باقی است نباید اجازه داد که بیکاری زندگی بخشی از ما را تپاه کند. باید نیروهایمان را گرد آوریم و متحد و یکپارچه خواستار پرداخت بیمه بیکاری از طرف سرمایه داران و دولتشان شویم. ماضن اینکه برای انقلاب کارگری و سوسیالیسم مبارزه میکنیم در عین حال برای افزایش دستمزدهایمان، برای کاهش ساعت کار و دریافت بیمه بیکاری و برای دهها خواست دیگرمان هم مبارزه میکنیم، مبارزهای که لازمه بهبود زندگی روزمره

کارگران و برخورداری آنها از امکانات بیشتر برای نابودی نظام سرمایه داری است. یکی از خواستههای ما بیمه بیکاری است. در کنار بیمه بیکاری خواست دیگر ما تامین شغل و کار است. کار یا بیمه بیکاری خواست اساسی ما برای تمام افراد ۱۸ سال به بالا و آماده بکار جامعه است. این خواست، مطالبه‌ای نیست که هم اکنون مطرح شود بلکه قبلاً نیز مطرح شده و حول آن مبارزه صورت گرفته است. این خواست در قطعنامه‌های کارگران در مراسمهای اول مه سنندج هم آمده بود. بنابراین مبارزه ما حول این خواست از صفر شروع نمیشود. هم طبقه‌ایمان در بسیاری از کشورهای جهان، بیمه بیکاری را به سرمایه داران تحمیل کرده‌اند.

در سالهای بعد از قیام کارگران کردستان در اغلب شهرها چه از طریق تشکلهایشان و چه با اتکاء به حرکت جمعیشان، رژیم را ناچار به پرداخت میلیونها تومان وام بیکاری کردند. در چند سال گذشته هم خواست کار یا بیمه بیکاری، یکی از خواستههای دائمی کارگران بوده است. رژیم در مقابل خواست کارگران، از طرفی لایحه بیمه بیکاری را تصویب کرده تا طبق آن به اصطلاح به کارگران بیمه بیکاری پرداخت کند و از طرف دیگر در برنامه ۵ ساله اقتصادی، قول تامین شغل را به کارگران میدهد و داد و بیداد راه میاندازد که شغل‌های جدید زیادی را برای اشتغال ایجاد کرده است.

گردن نهادن رژیم به اقداماتی هرچند ناچیز و جزئی مهم و با ارزش است. زمانی خمینی میگفت برای اسلام انقلاب کرده‌ایم نه برای زندگی بهتر و هر خواست کارگران را با تهدید و ارعاب جواب میداد. رفسنجانی هم خطاب به کارگران بیکار میگفت: "۲ - ۳ میلیون کارگر افغانی کار پیدا کرده، شما هم برای خودتان کار پیدا کنید، دولت درگیر مشکلات است و نمیتواند به هر مساله‌ای رسیدگی کند" پله رژیمی که سرکردگانش علیه کارگران اینگونه عریده میکشیدند و به خواست کارگران بی توجه بودند، اکنون در مقابل فشار اعتراض کارگران بارها از

بازهم در...

مشکل بیکاری حرف میزنند و هرچند ظاهری و ریاکارانه به چاره اندیشی پرداخته و از حل مشکل بیکاری صحبت میکنند!

رژیم با اتمام دوره آزمایشی لایحه بیمه بیکاری بر اثر فشار کارگران فوراً لایحه دیگری را به تصویب رساند. رژیم با مطرح کردن دلایلی مثل افزایش جمعیت و... میخواست خود و نظامشان را بی تقصیر جلوه دهد و کارگران را فریب دهد. اما شکم گرسنه کارگر و واقعیات زندگی خیلی سرسخت تر از آن است که این فریب کاریها موثر واقع گردد.

در اینجا اشاره‌ای هم به راه‌های رژیم و قول و قرارهایش بکنیم، رژیم میگوید در برنامه ۵ ساله اقتصادی شغل ایجاد میکنیم، اگر از قول و قرارهای دروغین رژیم بگذریم و فرض کنیم راست میگوید و طبق برنامه ۵ ساله اقتصادی میخواست شغل و کار برای کارگران بیکار ایجاد کند! اما تا آن وقت کارگر بیکار چگونه باید زندگی کند؟ مگر میتوان با قول و قرار خشک و خالی معیشت کارگر را تامین نمود؟ رژیم از همین الان باید به کارگران بیکار بیمه بیکاری بدهد. چه کسی باور میکند رژیم برای کارگران بیکار شغل ایجاد میکند، تعداد شغلی را که رژیم قول داده است از چند هزار تجاوز نمیکنند، در حالیکه کارگران بیکار در ایران در حدود ۵ - ۶ میلیون نفر هستند! شغلای جدیدی که رژیم قول داده است، حتی بخشی از کارگران را که هر ساله وارد بازار کار میشوند. تامین نمیکند چه برسد به اینکه مشکل بیکاری را حل کند!

سران رژیم به بیکاران کار نمیدهند، هم اکنون کارهای فراوانی وجود دارد که اگر رژیم به آن‌ها توجه دهد، تعداد زیادی از بیکاران، صاحب کار میشوند. هم اکنون در سراسر ایران مردم با کمبود جدی مدرسه روبرو هستند، اگر رژیم بخواهد پاندازه کافی مدرسه درست کند، برای تعداد زیادی کار پیدا میشود. در اکثر نقاط، کمبود بیمارستان، درمانگاه و مهد کودک وجود دارد، خیاپانها و کوچهای

زیادی وجود دارند که اسفالت نشده‌اند، لوله کشی آب در خیلی جاها انجام نگرفته است. میلیونها آواره جنگی و زلزله زده و کارگر و زحمتکش بدون مسکن وجود دارند! تامین تمام این نیازمندیها به عهده دولت است. اگر آنها بخواهند اقدام کنند، برای میلیونها کارگر بیکار، کار پیدا میشود. اما رژیم و سرمایه داران چنین کاری را نمیکند، چون در اینصورت باید هزینه آن را تامین نمایند و از بودجه نیروهای سرکوبگر و ادارات و دم و دستگاه مذهب و حکومت مقدار این هزینه را کسر کنند که به ضررشان تمام میشود و اینکار را نمیکند. اینها نشان میدهد که وعده و وعیدهای آنها برای تامین شغل خیلی بوج است.

بعضی از ارکانهای رژیم مانند جهاد سازندگی در رشتههایی مثل قالبیافی سرمایه گذاری کرده‌اند. جهاد سازندگی هرچند مدت یکبار، اطلاعیه‌ای پخش میکند و از متقاضیان قالبیافی دعوت به کار میکند. رژیم از این طریق تعداد نسبتاً زیادی از خانوادههای کارگری را با شرایط سخت و غیر انسانی به کار گمارده است! بنا به این طرح و بنا به گفته رژیم بیش از یک میلیون نفر در خانهها به کار قالبیافی مشغولند. آنها اولاً کارشان کتراتری است، ثانياً با کمترین امکانات و ناچیزترین دستمزد و مزایای کارگری کار میکنند و به شیوه‌ای کاملاً وحشیانه استثمار میشوند. در این کارگاههای خانگی، کودک و پیر و جوان، شب و روز به شدت کار میکنند، تا زندگی بخور و نمیری را برای خود تامین نمایند. رژیم تاکنون بارها اعلام کرده است که کار قالبیافی و تولیدات خانگی، میلیونها تومان را به درآمد دولت افزوده است. در این نوع کارها هیچ قانونی حاکم نیست و هیچ حقی برای کارگران به رسمیت شناخته نمیشود. کارگران کمونیست در مقابل این وحشیگری رژیم و سرمایه داران و جهاد سازندگی، خواهان کار در شرایط مناسب هستند، بطوریکه کارگر از حق و حقوق و مزایای کارگری بهره‌مند گردد، روز کار ۷ ساعت باشد و دستمزد کارگر به‌میزان تامین مخارج و رفاه خانواده ۵ نفره پرداخت گردد و کار

کودکان ممنوع باشد و کار کتراتری لغو گردد.

رژیم با اجزای طرح فوق بدون اینکه پولی خرج کند، سود کلاهی را از استثمار خانوادههای کارگری بدست می‌آورد. طرح رژیم در واقع برای تامین شغل و کار نیست، او در پی تامین منافع خویش خون کارگران و انسانهای زحمتکش را در دنیایی مملو از بی حقوقی و محرومیت، میمکد!

اقدام دیگر رژیم برای حل مشکل بیکاری تصویب لایحه بیمه بیکاری است. اگرچه تصویب این لایحه، آنهم پس از عبور از هفت خان رستم و دست بدست کردنیهای فراوان، خود عقب نشینی رژیم را در مقابل اعتراض کارگران نشان میدهد و راه را برای مطالبه بیمه بیکاری برای کارگران هموار میکند، اما این مساله اساساً جوابگوی معضل بیکاری نیست. این لایحه تنها شامل کارگرانی میشود که تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی هستند. برای بخشی از کارگران هم که بیمه بیکاری رژیم شاملشان میشود میزان آن در حدی نیست که زندگیشان را تامین کند. بنا به لایحه رژیم میزان بیمه ۵۵ درصد حداقل دستمزد کارگر است و مدت زمان پرداخت آن برای کارگر مجرد ۳ سال و برای کارگر متأهل ۴ سال است. در حالیکه بیمه بیکاری باید مخارج یک خانواده ۵ نفره را تامین کند و زمان پرداخت آن هم نه برای مدت ثابت بلکه تا وقتی باشد که کارگر، کار مناسبی پیدا میکند. همچنین لایحه بیمه بیکاری رژیم شامل چند میلیون کارگر در رشتههای مختلفی مثل کار ساختمانی، قالبیافی، کارگاههای خانگی و دستی، کار کشاورزی و کوره و... نمیشود. به این ترتیب اکثریت کارگران کردستان که بصورت فصلی در این رشتهها کار میکنند طبق لایحه رژیم، بیمه بیکاری به آنها تعلق نمیگیرد. درحالیکه از نظر کارگران کمونیست بیمه بیکاری باید به تمام افراد ۱۸ سال به بالا که آماده بکارند پرداخت گردد.

مجموعه این بحثها نشان میدهد که نه تامین شغل در برنامه ۵ ساله اقتصادی و نه لایحه بیمه بیکاری و نه کارهایی که با شرایط وحشیانه به کارگران تحمیل میشوند، هیچکدام راه حل مساله بیکاری نیستند.

تامین کار یا بیمه بیکاری برای تمام کارگران آماده بکار که سن آنها ۱۸ سال به بالا باشد، خواست مشترک تمام کارگران شاغل و بیکار است که باید بطور جدی نیروهایمان را حول این خواست متشکل کنیم.

تحویل پرداخت بیمه بیکاری به دولت کاملا امکانپذیر است. همین که رژیم در نتیجه اعتراضات کارگری تن به تصویب لایحهای به نام بیمه بیکاری داده است، نشانه پرمسئولیت شناختن معضل بیکاری و پرداخت بیمه بیکاری هرچند بصورت ظاهری ازطرف سرمایه داران و دولتشان است. این مساله که لایحه بیمه بیکاری رژیم، همان بیمه بیکاری نیست که کارگران خواهان آن هستند، ذره‌ای از اهمیت پیشروی کارگران و عقب نشینی رژیم کم نمیکند. این مساله کمک میکند تا میدان مبارزه برای بیمه بیکاری وسعت یابد و هر کارگری خواهان بیمه بیکاری باشد. درواقع رژیم با تصویب این لایحه راه پیشرویهای بیشتری را در رابطه با تامین بیمه بیکاری برای کارگران هموار کرده است که باید مورد استفاده کارگران واقع شود. مبارزه کارگران در تعدادی از کشورهای جهان دولت و سرمایه داران حاکم را ناچار به پرداخت بیمه بیکاری کرده است. در این کشورها در سایه مبارزات متحد کارگران و وجود تشکلهای وسیع و قدرتمند کارگری، سرمایه داران ناچار شده‌اند تا وقتی که کارگر کار مناسبی پیدا کند بیمه بیکاری به او پرداخت نمایند. البته در همین کشورها هم هر وقت سرمایه داران احساس کنند اتحاد و قدرت طبقه کارگر سست شده است این دستاوردها را بتدریج پس میگیرند. بنابراین دریافت بیمه بیکاری از طریق اعتراض و مبارزه برای وصول آن شدنی و امکانپذیر است. اما این مبارزه را چطور سازمان دهیم؟

میدانیم که در جامعه سرمایه داری اخراج ابزار دائمی سرمایه داران علیه کارگران است. آنها در دوره‌های مختلف

و بنابه اقتضای مصالح و منافعشان کارگر را از کار بیکار میکنند. علاوه بر این وجود کارگر بیکار همیشه عاملی بوده در دست سرمایه داران برای تحمیل فشار به کارگران شاغل و برای تحمیل ساعات کار طولانی و شرایط سخت کار و دستمزد کمتر به کارگر! بنابراین مشکل بیکاری تنها مشکل کارگران بیکار نیست بلکه مشکل تمام کارگران اعم از شاغل و بیکار است و مبارزه علیه بیکاری امر تمام کارگران است.

به این لحاظ اتحاد کارگران شاغل و بیکار برای مبارزه علیه بیکاری ضروری است. مبارزه کارگران شاغل علیه ساعت کار طولانی، کار کتراتر، اضافه کاری و شب کاری و علیه کار کودکان، مستقیما سرمایه داران را تحت فشار قرار میدهد تا تعداد بیشتری کارگر را استخدام کنند و در نتیجه از تعداد کارگران بیکار کاسته شود. کارگران کمونیست باید آگاهانه این دو عرصه از مبارزات کارگری را یعنی هم مبارزه برای بهبود شرایط کار و زندگی کارگران شاغل و هم مبارزه علیه بیکاری را هماهنگ پیش ببرند. سازماندهی مبارزه برای کاهش ساعت کار در کارخانه‌ای که ۵۰ کارگر دارد از یکطرف کار این ۵۰ نفر را کمتر میکند و از طرف دیگر سرمایه‌دار صاحب کارخانه را ناچار میکند برای انجام همان کاری که این ۵۰ کارگر قبلا انجام میدادند، تعداد بیشتری کارگر استخدام کند.

علاوه بر این کارگران شاغل در مجامع عمویشان میتوانند و باید خواهان کار یا بیمه بیکاری برای کارگران بیکار باشند و حول آن دست به اعتراض بزنند. رهبران کارگری و نمایندگان مجامع عمومی باید با کارگران بیکار و بویژه پیشروان آنها ارتباط داشته باشند و کارگران شاغل و بیکار با هم مبارزات متحد و یکپارچهای را علیه سرمایه داران و دولتشان پیش ببرند.

تاکید ما در مبارزه علیه بیکاری سازماندهی و برپایی اعتراضات متحد

کارگری است چرا که اعتراضات پراکنده کارگران موثر واقع نمیشود و بجایی نمیرسد.

کارگران بیکار و بخصوص کارگران فصلی تجارب زیادی از مبارزات دسته جمعی سالهای گذشته در میادین شهرها، کوره یزخانه‌ها و ادارات دولتی و... دارند. در حال حاضر این بخش از کارگران پراکنده‌اند و به این لحاظ کار رهبران و پیشروان کارگری برای متحد کردن آنها مشکلتر است. کارگران پیشرو و رهبران کارگری باید بشیوه‌های مناسب جمعها و محافل تحت اتوریته خود را متحد نموده و برای ایجاد تشکل و دفتر بیکاران تلاش نمایند.

این مطلب سلسله گفتاری است در رابطه با بیکاری که طی ۵ برنامه رادیویی پخش شده است.



مرگ بر سرمایه ، مرگ بر امپریالیسم

مردم آزاده!

حال دیگر بر همگان آشکار است که دولت مذهبی یعنی توحش افسار گسیخته! همین رژیم اسلامی سرمایه داران را نگاه کنید که چگونه قانون و نهادهای دولتی را بر اساس شریعت پانزده قرن پیش قرار داده و حکومت ترور و جنایت سرمایه را به این وسیله حفظ میکند، نگاه کنید که چگونه نیمی از ما را ناقص العقل و مجبور میخواند و پرده سیاه حجاب و سرکوب و توهین را بر ما تحمیل میکند! نگاه کنید دولت مذهبی چگونه با انواع بیدادگاههای شرعی و قانونی هر اعتراض توده‌ای، به گرسنگی و فلاکت و جهل و خرافه را با یک رشته جنایات سازمان یافته پاسخ میدهد و گروه گروه را به جوخه مرگ میسپارد و یا سیاهچالهای زندانهایش را از ما پر میکند.

شناختن همین جمهوری اسلامی برای نفرت عمیق و پایان ناپذیر ما علیه هر نوع حکومت مذهبی کافیست! وجود مذهب رسمی و قائل شدن برتری برای آن نسبت به مذاهب دیگر و افکار و عقاید غیر مذهبی در خدمت منافع سرمایه‌دارانست. مذهب تلاش میکند تا توده‌های مردم را بفریبد و بعضی را علیه بعضی دیگر تحریک نماید و تفرقه و خصومت در صفوف کارگران ایجاد کند.

مذهب، این چماق سرکوب، این وسیله تحمیق و تخدیر را، باید از دست طبقه سرمایه‌دار درآورد! و باید به طور قطعی و کامل از دولت جدا شود!

نباید در مدارس، دانشگاهها و در هیچ موسسه آموزشی مردم مجبور به فرا گرفتن و آموزش تعلیمات مذهبی شوند. هیچ مذهبی نباید مذهب رسمی باشد. هر کس باید آزاد باشد که هر مذهبی داشته باشد و یا هیچ مذهبی نداشته باشد. حقوق سیاسی و اجتماعی افراد، مستقل از اعتقادات مذهبی و مستقل از جنسیت باید کاملاً برابری شمرده شود. بگذار مذهب نیز مثل هر اعتقاد دیگر امر خصوصی افراد باشد! بگذار مذهب امر خصوصی ملاها، آخوندها و آیت‌اللهها و شیخهای انگل باشد. بگذار دستشان از قانون و قدرت، از موقوفات و خمس و ذکات و سهم امام و انواع بنیادها و نهادهایی که هم اکنون درآمدهای سرشاری از آنها به جیب میزنند کوتاه گردد. کارنامه سرکوب و جنایت و تحمیق جمهوری اسلامی آینه قدنمای حکومت مذهبی است.

مرگ بر حکومت مذهبی!

زنده باد آزادی، برابری!

بقیه از صفحه ۳۴

گزارشی از اوضاع ایران

جنوب غربی تهران حدود ۱۰ هزار تومان اجاره دارد که به اینصورت با ۴۰۰ هزار تومان ودیعه و ۴۰۰۰ هزار تومان در ماه، صاحب خانه شدن برای کارگران و زحمتکشان دیگر آرزوی دور و دست نیافتنی است.

کالاهایی که تعاونی‌های کارگری و کارمندی به عنوان کمک به سطح معیشت میپردازند، بسیار کم، محدود و بی‌ارزش است و تأثیری بر کاهش هزینه زندگی بر دوش کارگران و زحمتکشان ندارد. در هر خانواده سه چهار نفری برای تأمین معیشت باید حداقل ۲ تا ۳ نفر افراد خانواده کار کنند تا بتوانند زندگی بخور و نمیری را برای خانواده فراهم آورند و در عوض بازاری‌ها و محتکران سودهای فراوان و بی‌دردسر میبرند. در بازار به ازای هر صد هزار تومان بدهی

ترتیب خود را از رو در روشی با کارگران و زحمتکشان کنار میکشد و گناه استثمار و فلاکت را بدوش دیگران میاندازد. هزینه مسکن روز به روز افزایش مییابد. آپارتمانی یک اتاق خوابه در حدود مرکز شهر برای یک زن و شوهر، اجارهای معادل ۱۲ هزار تومان در ماه دارد. به خانواده‌های سه نفری به بالا معمولاً خانه اجاره داده نمیشود و به سختی میتوان خانه گیر آورد. خانه‌ای برای یک خانواده چهار نفره در شرق تهران با سه اتاق اجاره‌ای در حدود ۲۰ هزار تومانست و دو اتاقی در یک طبقه در

است و به اذعان روزنامه‌های خود رژیم هیچگاه یکی از آنها محاکمه و مجازات نشده است، در عوض فریاد همیشگی رژیم برای پایین آوردن قیمتها و کنترل تورم و راه اندازی کارخانه‌ها و افزایش تولید است. در این رابطه بخش خصوصی را هرچه بیشتر تشویق میکنند که در راه اندازی و تولید کارخانه‌ها و صنایع دخالت کنند تا بدین ترتیب سرمایه‌ها بکار انداخته شوند و باری از روی دوش خودش برداشته شود. یعنی دعوت آنها به اینکه آقایان بیایید و استثمار کنید و سود ببرید و بدین

هر بازاری ماهیانه ۳ تا ۴ هزار تومان سود میبرد. این خود نشاندهنده سودهای عظیمی است که از دست به دست کردن کالاها و زد و بندهای دولتی و احتکار مایحتاج مردم نصیب آنها میشود. درعین حال دولت در نظر دارد درزمینه های اقتصادی بانک ها را بیشتر فعال کند و اعلام جوایز و بهره های جدید به منظور آن صورت میگیرد که مردم تشویق به سپردن پس اندازهایشان به بانکها شوند و به قول رژیم پولها جمع گردد تا دولت بتواند بورس بازی و زمین بازی و معاملات ارز را کنترل کند. اما همه میدانند که مردم یا نمیتوانند پس انداز کنند و یا پس اندازشان خیلی ناچیز است و این در واقع دعوت نامه رژیم برای سرمایه دارانی است که سرمایه شان در این زمینه کار میکند و منظور کشاندن این سرمایه ها به تولید است. قطع شدن آب و برق همچنان ادامه دارد و رژیم با برنامه ها و حرفهایش سعی دارد که نشان دهد علت این قطع شدن ها مصرف بی رویه خود مردم در آب و برق است. ولی مردم چراغانی های رژیم بمناسبت اعیاد و جشن های مختلف دولتی را گواهی برآن میگیرند که رژیم نه تنها به فکر مردم نیست بلکه چون با افزایش جمعیت باید خدمات شهری بیشتری را فراهم نماید برای این کار میخواهد با گرفتن بخششی از خدمات نیازمندیهای شهروندان دیگر را تامین کند تا خود در این زمینه هزینه ای متحمل نشود.

کیفیت آموزش در مدارس بعلت عدم سرمایه گذاری و صرف هزینه، روز بروز بدتر میشود، کلاسها شلوغ، معلمین خسته و ناراضی از وضع زندگی و سطح پائین حقوقشان، کیفیت آموزشی را روز به روز بدتر کرده و پاسخ رژیم به این مسئله اجازه تاسیس مدارس انتفاعی یا خصوصی است. بنا به گفته خود دست اندرکاران آموزش و پرورش هر

سال برای یک میلیون دانش آموزی که به سن مدرسه رسیده اند امکان تاسیس مکان آموزشی وجود ندارد. بوجد آمدن مدارس خصوصی با شهریه های گران، اختلاف کیفیت آموزش را مثل اختلافات طبقاتی در دیگر عرصه ها روز بروز بیشتر نشان میدهد. از یکطرف رژیم اعلام میکند که آموزش در مدارس مجانی است و از طرف دیگر به مدارس بخشنامه میفرستد که خود مدرسه باید هزینه های خود را تامین کند (از تهیه کاغذ و دستگاه پلی کپی گرفته تا تعمیر مدرسه و هزینه سوخت و حقوق معلمین ورزش و نقاشی و خط) ناظم مدرسه ای در جواب والدین که اعتراض کرده بودند که مگر دولت نگفته ثبت نام مجانی است، پس چرا شما کارنامه بچه های ما را بگرو میگیرید تا شهریه بپردازیم، پاسخ میدهد: "ما هم بخشنامه کرده اند که از ۱۵۰۰ تومان کمتر نگیرید و به مدارسی که در مناطق بالای شهر هستند، گفته اند که تا ۱۵۰۰۰ تومان شهریه بگیرید ما تقصیری نداریم" با توجه به هزینه بالای آموزشی از ثبت نام گرفته تا تهیه کتاب و دفتر و قلم تعجب آور نیست که بچه های زحمتکششان درس و مدرسه را رها کنند و راهی بازار کار شوند. مدارسی بنام مدارس شاهد وجود دارد که مدارس فرزندان شهیدان و وابستگان رژیم است یعنی ثبت نام آنها مجانی است ولی برای دیگران هزینه بالایی دارد. کیفیت آموزشی در آن خوب است و مدارس تیز هوشان است که حاصلین آنجا بدون کنکور وارد دانشگاه های دولتی میشوند این مدارس کنکور دارد و نیمی از درشان را آموزش ایدئولوژیک تشکیل میدهد. ورود به دانشگاه های دولتی با توجه به ظرفیت محدود آنها مشکل است. هزینه شهریه دانشگاه آزاد اسلامی سرسام آور است. رژیم در مقابله با گرایش جوانان به

فرهنگ غربی، گرایش به آهنگها و رقص های غربی و مدهای جدید (با توجه سفرهای مختلف که مسافرین طی آنها مجذوب فرهنگ ظاهری و مصرفی و تکنولوژی و آزادیهای اجتماعی و سطح بالای بهداشت اجتماعی این جوامع شده و آنها را بدخل منتقل میکنند و تعداد این سفرها هم بخاطر تسهیلات نسبتا بیشتر، نسبت به گذشته، بیشتر شده) رژیم این مسئله را تبلیغ میکند که برای جلوگیری از رواج جوانان به فرهنگها باید آنها را جذب ورزش کرد. اما مثل همه امکانات دیگر امکانات ورزشی هم فقط برای طبقه و قشر معینی قابل دسترسی است. کلاس شنای دولتی برای خانها برای ۱۰ جلسه ۱۲۰۰ تومانست و سایر ورزشها هم همینطور. کلاس نقاشی کودکان (متعلق به کانون پرورش فکری) برای ۱۰ جلسه ۱۲۰۰ تومان و حدود ۱۷۰۰ تومان نیز خرج تهیه وسایل لازم آن میشود. تازه برای ثبت نام در همین کلاسها باید با آشنایی داشته باشی یا یک روز در صف باشی تا شاید نوبتت برسد.

آموزش و پرورش در تابستان اردو ها- شی ترتیب میدهد که انتخاب دانش آموزان با نمایندگان رژیم در مدارس است و با این ترتیب بچه های زیادی در تابستان سرگردان در خیابانها و پارکها هستند. بخاطر عدم توجه کافی به مسائل بهداشتی مبتلا شدن به انواع قارچهای پوستی یکی از عارضه های طبیعی استخرهاست.

پربیننده ترین برنامه های تلویزیونی برنامه های ورزشی و کارتون و اخبار است. پرشونده ترین برنامه رادیو برنامه صبح جمعه باشماست که برنامه ایست تفریحی، طنز و انتقادی در رابطه با مسائل روز که گرانی یکی از مسائل ثابتی است که در برنامه های انتقادی به آن میپردازند. پرفروش ترین فیلمها، فیلمهای کودکان و کمدی ایرانی و

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!

گزارشی از ...

خارجی است .

در مورد وضعیت بهداشت هم سخن زیاد است. آلودگی هوای تهران دیگر برای همه روشن است و به آن میتوان وجود موشهایی به اندازه خرگوش در جویها و کانال های مرکزی شهر، وجود سوسک پشه و مگس را افزود. رستورانهای سطح شهر و خارج شهر غیر بهداشتی هستند و منتقل کننده انواع بیماریها، کنسروها و کمپوتها هم بهداشتی نیستند آب میوه گیریها، شیرینی فروشیها، ساندویچ فروشی ها همه بعلت اینکه از مواد غذایی سالم استفاده نمیکنند و یا بعلت عدم رعایت بهداشت ناسالم هستند. خلاصه اینکه همه چیز آلوده است. اکثر وسایل بهداشت مثل شامپو صابون، خمیر دندان که در تعاونیهای دولتی بفروش میرسند بعد از مدتها اعلام میشود که همه آنها غیر بهداشتی بوده و استفاده از آنها موجب مریضی های مختلف میشود.

اجناس بهداشتی کوپنی مقدارش کم است و بصورت آزاد حدود ۱۰ تا ۲۰ برابر قیمت کوپنی تمام میشود. وضعیت بیمارستانها هم بسیار اسفبار است. بخصوص پس از حادثه زلزله هیچ بیمارستانی بجز بیماران اورژانس بیماری نمیپذیرد. در بیمارستانها و بخصوص بیمارستانهای دولتی نظافت سطح پائینی دارد و پر از موش و سوسک و مگس است. بیماران میگویند در این بیمارستانها ما موش آزمایشگاهی دانشجویان هستیم. اگر دکتري برای ویزیت بیماران بیاید با عده ای از دانشجویان میآید و این آنها هستند که باید حدس بزنند ناراحتی بیمار چیست و به چیزی که اصلا توجه ندارند خود مریض و حالات روحی است. خلاصه همه میگویند خدا نکند آدم پایش به بیمارستان برسد چون باید یا همه زندگیش را خرج کند و یا اینکه جان سالم بدر نمیرد.

پارتی بازی، رشوه، فساد و همچنان ویژگی اصلی ادارات را تشکیل می دهد

سردانندن ارباب رجوع از کارهای معمول و رایج است و همه میدانند که هیچ کاری بدون داشتن پارتی و دادن رشوه حل نمیشود.

اخیرا رژیم به امر زیبا سازی شهرها پرداخته تعمیرات اسفالت خیابان ها گلکاری در وسط خیابانها و میدانها رنگ کردن دیوار پارک ها، رنگ کردن منطقه ای مغازه ها، نرده های پارکها برداشته شده چون شهردار جدید معتقد است که ما نباید فضای سبز را زندانی کنیم بلکه باید آنرا گسترش دهیم. طرح ایجاد فضای سبز جدید برای تهران از دیگر طرحهای اوست. البته این اقدامات شهردار همزمان با تخریب آلودگیها و جمع آوری دستفروشان بوده است و همچنین زیاد کردن عوارض فروش خانه. مردم در عین حال میگویند که با این کارها حواس مردم را پرت میکنند تا نتوانند کار غائی را بکنند.

بخش آخر گزارش رفیق عزیزمان در رابطه با اوضاع سیاسی است:

باید گفت که رفسنجانی و جناح وی همچنان قدرت را در دست دارند و علیرغم وجود جناح باصطلاح تندرو که در برخی موارد خود رژیم اجازه حرف زدن و انتقاد کردن را به آنها میدهد رژیم برنامه های خود را پیش میبرد و سعی دارد امنیت لازم برای سرمایه و سرمایه داران را تامین نماید و مردم را نیز هرچه بیشتر از صحنه سیاسی کنار بکشد و آنها را به خودشان مشغول دارد.

اما بنظر من علیرغم تمام فشارها و اختناق و فساد موجود مردم ایران زنده اند، روحیه اشان را حفظ کرده اند و دچار خمودگی و ناامیدی نشده اند. عکس العمل مردم در جریان فاجعه زلزله گویای همین مساله بود. عدم وجود تشکل های توده ای، عدم وجود نیروی سیاسی ای که به آن اعتماد کنند و روشن نبودن افق مبارزه و آنچه که باید بدست آورند، آنها را از دست زدن به حرکت تعیین کننده باز میدارد اما آنچه مسلم است مردم رژیم را به عنوان یک رژیم زور و خفقان و سرکوبگر

میشناسند و هنوز بروشنی جانشینی برای آن نمی بینند و به قدرت خود نیز در این سطح ایمان نیاورده اند. مردم دیگر به اپوزیسیون لیبرالها، مجاهدین و سلطنت طلبان توهمی ندارند و دعوی آنها را با رژیم دعوی درونی خود آنها تلقی میکنند و اعتمادی به آنها ندارند مردم مسبب تمام بدبختی ها و فشارها را دولت و خود رژیم میدانند و در هر مساله کوچک جای پای رژیم را نشان میدهند و این نشانه رشد سیاسی مردم است، اعتراض دانش آموزان حتی در یک مسابقه ورزشی و یا اعتراض طرفداران ورزش فوتبال بسرعت رنگ سیاسی به خود میگیرد رژیم را مجبور به حضور عوامل نظامی اش میکند. وجود صفهای طویل خرید روزنامه در تمام نقاط شهر و ایستادن مردم در تاستان و زمستان در این صفها که گاهی تا ۲ ساعت طول میکشد نشانه حساسیت مردم نسبت به اخبار و گزارشات سیاسی مربوط ایران و جهان است. خلاصه اینکه مردم به سختی باور دارند که این رژیم ماندنی و پایدار باشد.

گزارشی که رفیقمان فرستاده است یک واقعیت کلی را در مورد اوضاع ایران بیان میکند و آن اینست که شرایط زندگی مردم در ایران غیر قابل تحمل است. همه چیز از تهیه خوراک و مسکن گرفته تا وضع درس خواندن بچه ها و دوا و درمان، گرفتاری و مصیبت است. جز اقلیتی کوچک که پول پارو میکند و درناز نعمت بسر میبرد بقیه محکوم به جان کندن و عرق ریختن و در دریایی از مشکلات دست و پا زدن اند. این وضعیت قطعاً باید تغییر کند. این قدر به قهقرا رفتن را نباید تحمل کرد. تا ابد نمیشود اینطور زندگی کرد. هرکس نداند ما مردمی که یک حکومت مستبد را قبلاً، همین چند سال پیش، ساقط کرده ایم، میدانیم که نجات از این وضعیت غیر قابل تحمل، فقط یک راه دارد و آن اینست که به قدرت سیاسی، به آن نیروی سازمان یافته ای که نگهبان وضع موجود جامعه است حمله ببریم و چنگ بیاندازیم.

حتی بوجود آوردن تغییرات کوچک و ایجاد اصلاحاتی که کمی فشار مشکلات را کاهش دهد مستلزم آنست که بتوانیم دولت مخالف اصلاحات را به برکناری و سقوط تهدید کنیم. آنهایی که امروز بر تخت قدرت تکیه زده اند، آنها هم قدرتمندی شما مردم ستم‌دیده و زحمتکش را بهنگام سرنگون کردن شاه دیده اند. آنها بیشتر از آنچه فکرش را بکنید از شما و قدرتان میترسند. پس از خواستن آنچه که حق شماست، از مطالبه شریعی انسانی برای زندگی، و از تهدید کردن هرکس که در این راه

در مقابل شما قرار میگیرد ابا... نداشتن با شید. به ستم کشی و ساکت ماندن در مقابل اجحاف و ظلم خو نگیرید، هر جا که جای اعتراض است با صدای بلند اعتراض کنید تا خودتان ببینید که چقدر فریاد حق طلبی طرفدار دارد. صدایتان را بلند کنید و حققتان را بخواهید تا همه کس بدانند که هرگز قصد ندارید به بی حقوقی عادت کنید. آنها را که حقوقتان را لگد مال میکنند به حال خود رها نکنید، از برابرشان ساکت نگذرید، اگر امروز دستتان بجائی نمیرسد، دستکم با صدای

بلند آنها را به مجازات تهدید کنید، به مجازاتی که در آینده در فریاد آنها قدرت گیری دوباره شما در انتظار آنها خواهد بود... بگذارید همه آنها بدانند که امید شما به فردائی که در آن حق به حق دار خواهد رسید، به فردائی که در آن خود شما سرنوشت خود سرنوشت این ستمگران را تعیین خواهید کرد، هرگز به یاس مبدل نخواهد شد...



همه قوانین تبعیض آمیز علیه زنان باید فوراً لغو گردد.

ما، همه زنان و مردان را فرا میخوانیم که مصمم و یکپارچه بر برابری کامل زن و مرد پای فشارند. باید حکومت توحش جمهوری اسلامی را پیش از پیش زیر ضرب اعتراضات خود بگیریم و علیه همه مقررات و قوانین تبعیض آمیز و اسارت بار علیه زنان بپا خیزیم.

این حکم تاریخی طبقه کارگر است که:

- حجاب اجباری باید فوراً لغو شود.

- هرگونه محدودیت بر اشتغال و کار کردن زنان باید لغو شود. باید زنان از کار خانه‌داری آزاد شوند این امور بر عهده جامعه قرار گیرد و دولت امکانات لازم را برای آن فراهم کند تا زنان بتوانند در امور جامعه دخیل شوند.

- زن و مرد باید در برابر کار برابر دستمزد برابر بگیرند.

- هرگونه جداسازی زن و مرد در محیط کار و مکانهای عمومی و مدارس باید خاتمه یابد.

- در هر عرصه اجتماعی و خانوادگی و در کار و تولید زن و مرد باید برابر شمرده شوند.

زن و مرد همانند هم انسانند، برابرند، میخواهند در جامعه با هم زندگی کنند، کار کنند، مبارزه کنند و با یکدیگر مناسبات انسانی داشته باشند. وحوش مرتجعی که بنا بر خرافات فوق ارتجاعی، عشیرتی و مذهبی میخواهند بین افراد جامعه دیوار بکشند، باید همواره زیر ضربات بی امان اعتراضات ما باشند. نباید اجازه داد که در هدف پلیدشان برای رسیدن به جامعه‌ای مملو از تحقیر و محکومیت انسانها موفق شوند. ستم کشیدگی زن یکی از ترفندهای ارتجاعی سرمایه داران برای تحقیر انسان و تفرقه انداختن در صفوف ماست. باید این چماق سرکوب را از دست آنان درآورد. باید همه قوانین و رسوم و سنن مذهبی و غیر مذهبی علیه زنان برچیده شود.

کارگران! مردم آزاده!

در برابر ارتجاع رسوای سرمایه‌داران صدای آزادیخواه‌مان را هرچه رساتر برآوریم و تحقیر و توهین بر نیمی از خودمان را تحمل نکنیم و لغو قوانین تبعیض آمیز علیه زنان را بر رژیم سرمایه‌داران تحمیل کنیم.

زنده باد آزادی، زنده باد برابری، مرگ بر جمهوری اسلامی

آزادی، برابری، حکومت کارگری

در آلمان چه می‌گذرد؟

این حرکات اعتراضی که در اوج جشن و پایکوبی ملی و از سوی جوانان برلین شرقی و غربی هر دو صورت می‌گرفت، نشانه احساس نارضایتی و نا ایمنی ای است که از هم اکنون در میان کارگران و توده مردم دو آلمان در حال شکل‌گیری است. و بی‌شک در آینده ابعاد گسترده تری نیز خواهد یافت. واقعیت آنست که آنچه بر آلمانیها در یکساله اخیر گذشت، بر خلاف آنچه ناسیونالیسم آلمانی مایل است وانمود کند، روند وحدت دو آلمان، یکی شدن دو پارچه یک ملت از موضع و موقعیتی برابر و یکسان، نبود. در یکسو سرمایه انباشته شده و تکنیکهای پیشرفته تولید قرار داشت و در سوی دیگر بازار کار ارزان، زمینه‌های گسترده جذب سرمایه و تقاضای وسیع برای مصرف. وحدت این دو آلمان فقط می‌توانست به معنای الحاق و انقیاد یکی بوسیله دیگری باشد. در عمل نیز وحدت مجدد ملی به نام و محمل محترمانه ای برای بلعیده شدن آلمان شرقی بوسیله سرمایه غرب تبدیل شد. این البته برای بورژوازی آلمان معامله پر سودی بود که باید با شور و شغف بسیار جشن گرفته میشد، اما برای کارگران و توده مردم آلمان چه؟ یک نویسنده ۷۷ ساله اهل آلمان شرقی، بنام استفان هیم، موقعیت مردم کشورش در سیر تحولات یکساله اخیر را چنین تصویر میکند: "مردم فقط می‌دانستند که چه نمی‌خواهند: سلطه گسترده سازمان امنیت دولتی، زورگویی مامورین دولت، سترونی فکری و فرهنگی.

ولی بجز آنچه بوسیله تلویزیونهای غربی و کالاهای غربی عرضه شده در فروشگاهها به مردم عادی حقه می‌شد، هیچ مدل جدید و نقشه ای برای آینده وجود نداشت. همانطور که هیچ سازمان یا حزب انقلابی ای نیز موجود نبود. تنها گروههایی از جوانان و عده قلیلی روشنفکر که عمدتاً حول کلیساها جمع شده بودند، فعال بودند.

در این خلا سیاسی فراخوان وحدت سرزمین‌پدیری طنین انداخت. و این فراخوان آنطور که سیر وقایع نشان داد توانست مردم عادی را پشت سر رژه سرمایه برای تسخیر آلمان شرقی بسیج کند. یکبار دیگر ناسیونالیسم و احساسات ملی در جهت منافع سرمایه به خدمت گرفته شد، و تحول نظام آلمان شرقی از سرمایه داری دولتی به نوع خصوصی آن، در میان شور و شغف ناسیونالیستی بعنوان آزادی و رفاه و دموکراسی جا زده شد و به مردم قبولانده شد.

اکنون که این شور و شغف فرو نشسته است. مردمی که از فشارها و مصائب سلطه نظام سرمایه داری دولتی به تنگ آمده بودند خود

را با مشکلات و مسائل جدیدی روبرو می‌بینند. بیکاری، گرانی و تورم و عدم تامین اقتصادی و اجتماعی از هم اکنون چهره کریه خود را بر توده کارگران نشان میدهد، می‌گویند این قیمتی است که مردم باید برای دموکراسی و رفاهی که در راه است بپردازند. اما دم خروس منافع کلان سرمایه عیان تر از آنست که چنین حرفهایی به خورد مردم برود.

ممکن است مردم هنوز به رفاه و آزادی که سرمایه داری نوع غرب برای آنان به ارمغان خواهد آورد توهم داشته باشند، اما بقول استفان هیم، این مردم بخوبی میدانند که چه نمی‌خواهند و در تجربه تحولات یکساله اخیر آموخته اند که چگونه آنچه نمی‌خواهند را تحمل نکنند.

همانطور که یکی از فعالین جنبش اعتصابی کارگران آلمان شرقی علیه بیکارسازیها میگوید: "ما با اتحادمان دیوار برلین را خراب کردیم و با همان نیرو می‌توانیم مدیران کهنه کار را از میدان به در کنیم." تظاهرات اعتراضی شب وحدت در برلین نیز جزئی از این نمایش نیرو در برابر عوارض و مصایبی بود که از هم اکنون آلمان جدید به مردم عرضه داشته است.



کنفرانس کودکان در مقر سازمان ملل متحد

اخیرا کنفرانسی بین المللی برای رسیدگی به وضع کودکان در مقر سازمان ملل برگزار شد. قبل از اینکه به این کنفرانس بپردازیم، ابتدا نگاهی می کنیم به گزارشی که رادیو بی بی سی مدتی قبل در مورد وضع کودکان پخش کرد.

چند هفته قبل رادیو بی بی سی گزارشی را پخش کرد مبنی بر اینکه تخمین زده میشود در حال حاضر ۲۰۰ میلیون نفر یعنی از هر ۲۵ نفر جمعیت دنیا یک نفر به صورت برده کار می کند و بدتر از آن، اینکه ۹۰ درصد این تعداد را کودکان تشکیل می دهند. به اصل گزارش توجه کنید:

گزارش بی بی سی با ترانه ای که از میکده یک محله توریستی پخش شده بود، شروع شد. در این ترانه از توریست ها دعوت میشود که کودکان دختر و پسری را که در میکده کار می کنند به میل خود مورد استفاده جنسی قرار دهند. در این میکده ملاک و معیار استخدام کودکان، جوانی و جذابیت آنها است و وظیفه این کودکان رفع نیازهای جنسی توریست ها است. بعضی از این کودکان، روزانه ۲۰ ساعت کار می کنند، بخشی از آنان از ۷ سالگی به کار گمارده میشوند، بطوریکه آنها قبل از اینکه به سن ۲۰ سالگی برسند، انرژی، شادابی و جوانی شان را از دست می دهند و اخراج میگردند. به دنبال ول شدن این کودکان در خیابانها و محلات شهر، کودکان دیگری جایشان را پر می کنند و به استخدام میکده درمی آیند. در بخش دیگری از گزارش بی



بی بی سی آمده: کیسیریا، کارگر یکی از معادن سنگ، در هندوستان اسیر یک سنت عجیب و قدیمی است، کیسیریا می گوید: هنگامی که پدرم مرد ۳ هزار روپیه مقروض بود و به همین خاطر من و سه برادرم را در معدن سنگ برای جبران قرض پدرم به بردگی کشیدند. پس از پرداخت بدهی پدرم، صاحب معدن بازهم دست از سر ما برداشت و ما را به صاحب معدن دیگری فروخت. بلاخره کیسیریا و ۳ برادرش ۶ سال قبل به کمک یک مؤسسه حمایت از آزادی بردگان از کار اجباری رهایی پیدا کردند، اما هنوز هم نتوانسته اند فراموششان را بگیرند. وقتیکه کیسیریا برده شد، ۸ ساله بود. تعداد کودکانی که در هندوستان برده هستند و به این شیوه کار می کنند، ۵۵ میلیون نفر است. بردگی بعضی از این کودکان بخاطر قروض پدر و پدر بزرگشان و گاه بخاطر قروض اجدادشان تا ۷ الی ۸ نسل پیش تر است. کیسیریا می گوید هر وقت دستور ارباب را پیش نمی بردیم کتک کاری می شدیم، آنها هر کاری که می خواستند با زنان و کودکان جوان انجام می دادند.

کارگاههای قالبیافی هم جزو مراکزی است که در آنجا کودکان به صورت برده کار می کنند. خیل عظیمی از کودکان گاه تا ۱۸ ساعت در روز کار می کنند و حاصل کارشان قالی های گران قیمتی است که در فروشگاههای معتبر آمریکا و پایتخت های کشورهای اروپایی بفروش میرسند. بنابه گفته یک مؤسسه حمایت از بردگان در دهلی نو پایتخت هندوستان، فرش های قیمتی زیرپای ثروتمندان با خون و اشک کودکان بافته میشود و در آنجا کودکان کارگر کتک کاری و مورد شکنجه قرار می گیرند و با آنها مثل حیوان رفتار میشود. در جهان مؤسسات مختلفی علیه وضع موجود کودکان مبارزه می کنند. بردگی و بویژه بردگی کودکان، تنها مختص یک کشور و یک قاره نبوده و ابعاد آن بحدی وسیع است که تنها همکاری بین المللی قادر به حل آن است. آنچه که به نظرتان رسید گزارشی بود که چند هفته پیش از رادیو بی بی سی پخش گردید.

این گزارش گوشه ای از جهنمی را به نمایش می گذارد که نظام سرمایه داری مسبب آن است. نظام پوسیده سرمایه داری به این جهنم می گوید جامعه، جامعه ای که در گوشه ای از آن، در میکده هایش کودکان را در معرض فروش و مورد

از ایران تحت حاکمیت سرمایه - داران هم یک هیات نمایندگی به این کنفرانس رفته بود، از کشوری که در آن میلیون ها کودک از سواد خواندن و نوشتن محروم هستند و روزانه جسم و روحشان تحت فشار کار طاقت فرسا تپاه می گردد، از کشوری که صدها کودک در زندان های آن بسر می برند و مورد تجاوز قرار می گیرند، از کشوری که در آن کودکان در باندهای قاچاق بکار گرفته میشوند! بله، در این کشور، در ایران، به حکم مذهب و شرع و اسلام، ازدواج دختران ۹ ساله شرعی و مجاز است!

واقعا سرمایه داری کثیف و جنایتکار است، مذهب و قانونش، فرهنگ و آداب و سننش و در تمام وجوهش، ریاکار و بی شرم است!

اما به راستی کنفرانس نمایندگان کشورهای سرمایه داری، می خواهد مساله کودکان را حل کند؟ آنها خود می گویند در صورت موفقیت، می توانند برای مرگ ۲۵ میلیون کودک در ده سال آینده چاره ای بیندیشند، در عین حال طبق گفته خودشان در ده سال آینده بیش از ۱۵۰ میلیون کودک کمتر از ۵ سال می میرند و باز هم بنابه اظهارات خود آنها اگر فقط هزینه چند روز مخارج نظامی آمریکا به کودکان اختصاص یابد، مقدار آن

و مشورت بپردازند. دنیای عجیبی است! حاکمان سرمایه دار و تعدادی از عواملشان دور هم جمع می شوند تا فکری به حال کودکان جهان بکنند! نمایندگان سرمایه دارانی به این کنفرانس رفته اند که خود، کودکان را برای کار در معادن با ۵ دلار خرید و فروش می کنند. حاکمان کشورهای آمریکای لاتین به این کنفرانس رفته اند که در هر کدام از کشورهایشان جنازه کودکانی را در پارک شهرها می توان پیدا کرد که خانواده های آنها بعلت فقر و گرسنگی آنها را فروخته اند و در اثر تجاوز جانشان را از دست داده اند. و در همین قاره آمریکا برای اینکه گندم ارزان نشود آن را به دریا می ریزند! سران هندوستان به این کنفرانس رفته اند که هم اکنون تحت حاکمیت سیاهشان، ۵۵ میلیون کودک در بردگی بسر می برند! سران برزیل در این کنفرانس حضور پیدا کرده اند که در کشورشان بیش از ۲۰ میلیون کودک سرگردان و بی خانه و لانه وجود دارد. نمایندگان مراکز دمکراسی یعنی آمریکا و اروپا به این کنفرانس رفته اند که در کشورهایشان، باند فروش کودکان وجود دارد و در بیمارستانهایشان اعضای بدن این کودکان را جهت پیوند به بدن حیوان صفتان سرمایه دار و پولدارها مورد استفاده قرار می دهند.

تجاوز قرار می دهند و از طریق ترانه و موزیک و ویدئو و... به سرمایه داران و مفتخوران جامعه و به توریست ها پیغام می دهند و برای جلب مشتری تبلیغ می کنند و پسران و دختران کودک میکده را در اختیار مشتریان می گذارند. در گوشه دیگر از این جامعه جهمی، در منطقه آمازون، کودکان به قیمت ۵ دلار به فروش می رسند تا در معادن طلای جنگل آمازون به کار گرفته شوند. و در جایی دیگر، در تایلند کودکان را با قیمت ۸۰ دلار می فروشند. در سراسر این جامعه نکبت بار، سالانه ۱۴ میلیون کودک قبل از اینکه بفروش برسند و یا مورد تجاوز جنسی قرار بگیرند و قبل از اینکه به برده تبدیل شوند "شانس" می آورند و در اثر فقر و گرسنگی می میرند!

سرمایه داری با هکیدن خون چند میلیارد زن و مرد کارگر و زحمتکش سیر نمیشود، خون کودکان را هم می خواهد، بردگی میلیون ها کارگر و زحمتکش برایش کافی نیست، کودکان را هم به بردگی می کشد. سرمایه داری به فاحشه خانه های مملو از زنان نگویند رضایت نمی دهد، کودکان را هم مورد استفاده جنسی قرار می دهد تا از این طریق بر خوش گذرانی و عیاشی سرمایه داران بیفزاید. تعداد زیادی از این کودکان پس از مورد تجاوز قرار گرفتن، بعلت کم سن و سال بودنشان می میرند! اما این وضع را کدام انسان با شرفی می تواند تحمل کند؟ آیا برآستی کودکانی که قبل از تولدشان میمیرند و این وحشی گریها را نمی بینند، هزار با خوشبخت تر نیستند؟! جالب اینکه، نمایندگان و سران و حاکمان کشورهای سرمایه داری جهان در مقر سازمان ملل متحد کنفرانس برگزار می کنند تا در مورد وضع کودکان و مشکل خوراک و بهداشت و مدرسه آنها به بحث



کنفرانس کودکان . . .

برای هزینه تمام این میلیونها کودک کفایت می کند! بنابراین راه حل ساده است، حتی درآمد سالانه یک سرمایه دار در عربستان هم بیشتر از مقدار هزینه ای است که تمام این کودکان به آن نیازمندند، بله، تنها درآمد یک سرمایه دار! اما مگر سرمایه داران می توانند در فکر کودکان مردم زحمتکش باشند؟ مگر گرسنگی و نداری جزو ذات سرمایه داری نیست؟ مگر زندگی جهنمی مردم تنگدست در جامعه به خاطر وجود حاکمیت سرمایه داران نیست؟

حاکمان و سردمداران سرمایه داری در جهان با برگزاری کنفرانسی بخاطر کودکان نمی توانند به خیال خود این همه جنایت و وحشیگری را نسبت به انسان و انسانیت پرده پوشی کنند!

چاره درد این کودکان و میلیونها کودکی که مرگ در انتظارشان است، تنها یک راه دارد، نابودی سرمایه داری! اگر سرمایه داری به گور سپرده شود، نه گرسنگی می ماند و نه سیه روزی و وحشیگری! اگر سرمایه داری نابود شود و حکومت کارگران سرکار آید، جهنمی را که سرمایه داری به آن جامعه می گوید به بهشتی تبدیل می کنیم که در آن خبری از ستم و نابرابری و سرمایه و سرمایه دار نباشد!

آقایان شرکت کننده در کنفرانس سازمان ملل!

شما دشمن بشر هستید، نظامی که شما از آن محافظت می کنید، عامل تمام بدبختی های ما است. اگر می خواهید برای کودکان راه چاره پیدا کنید، فقط یک راه وجود دارد و آنهم این است که شما با نظام گندیده تان، گورتان را کم کنید! اما، ما کارگران و زحمتکشان

می دانیم که شما اینکار را نمی کنید، به همین خاطر هم ما علیه شما و این نظام پوسیده، انقلاب می کنیم، انقلابی که کمترین دستاورد آن حل مساله کودکان باشد، انقلاب کارگری، انقلاب انسان هایی که صاحبان واقعی جهان هستند!

زنده باد انقلاب کارگری



با کمونیست و صدای حزب کمونیست ایران مکاتبه کنید

در مکاتبه با ما به نکات زیر توجه داشته باشید:

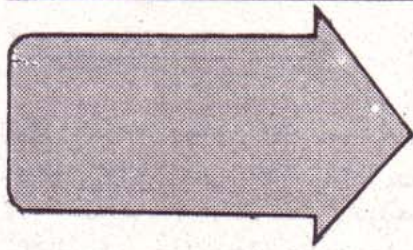
- ۱) سازماندهی و برقراری رابطه تشکیلاتی حزب با هواداران از طریق مکاتبه صورت نمیگیرد.
- ۲) گزارشهای خبری را بطور غیر مستقیم، یعنی با کمک دوستان و آشنایان خود در خارج کشور، برای ما ارسال دارید.
- ۳) در صورتیکه میخواهید سؤالات و نقطه نظرات سیاسی خود را در مورد مواضع و تبلیغات حزب و یا مسائل دیگر با ما در میان بگذارید و نامه شما حاوی گزارشهای خبری نیست، میتوانید نامه های خود را مستقیماً به آدرسهای اعلام شده پست کنید.
- ۴) در مکاتبه چه از طریق مستقیم و چه غیر مستقیم، این نکات را اکیداً رعایت کنید: از نوشتن اطلاعاتی که میتواند باعث شناسائی افراد و اماکن آنها از طرف پلیس شود، در نامه ها و روی پاکت خودداری کنید. خط خود را حتی المقدور تغییر دهید، نامه ها را از شهرهای کوچک و یا منطقه زندگی خود پست نکنید، نامه ها را حد اقل در دو نسخه و از محلهای مختلف پست کنید.

آدرس آلمان

POST FACH 501722
5000 KOLN 50
W. GERMANY

آدرس انگلستان

BM. BOX 3123
LONDON WC1N 3XX
ENGLAND



سرمایه داران ایران خود را برای جنگ با کارگران آماده می کنند، کارگران چکار می کنند؟

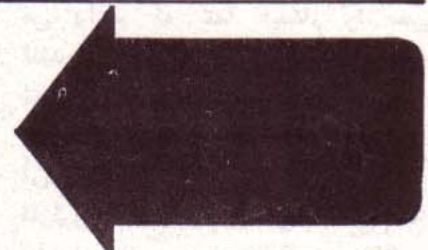
خواسته های خود را مطالبه می کنند!

رژیم می داند اکنون که جنگ در مرزها به اتهام رسیده، جنگ اصلی با کارگر و زحمتکش معترض و ناراضی کماکان و با شدت بیشتر ادامه دارد، او در این جنگ اصلی می خواهد هر چه بیشتر آمادگی داشته باشد، چرا که میداند کارگر و زحمتکش به آسانی دست از سرش بر نمی دارند. در بهار گذشته رژیم با ترکیب نیروهای شهربانی، ژاندارمری و کمیته، سازمان انتظامی یکپارچه ای را ایجاد کرد و همان وقت هم اعلام کرد که کار اصلی این نیرو، مقابله با اعتراضات و مبارزات کارگران و مردم است. از قرار معلوم رژیم حالا بیشتر خود را آماده می کند و به این خاطر هم هست که این بار ظرفیت نیروی زمینی سپاه پاسداران را ۳ برابر افزایش می دهد. او می خواهد به کمک این نیرو و با نیروی یکپارچه ژاندارمری و کمیته و شهربانی، آمادگی بیشتری جهت مقابله با مبارزه و گسترش اعتراضات مردم بدست آورد و در برابر مبارزات قدرتمند کارگران و مردم ستمدیده غافلگیر نشود.

روشن است که برنامه رژیم بعد از صلح هم، ادامه همان سیاست بازسازی اقتصادی سرمایه داری ایران است که اگر خرج و مخارج ارتش و سپاه هم کم شود، بودجه باقیمانده در خدمت اجرای این سیاست قرار می گیرد و نه در خدمت تامین رفاه و نیازمندیهای مردم! و به این ترتیب رژیم در برابر عدم جوابگویی به خواستههای کارگران و مردم زحمتکش می خواهد نیروی

زیادی از شهرهای ایران، علیه رژیم و حاکمیت سیاهش، تظاهرات چند هزار نفری بر پا گردید و بطور واقعی لرزه بر جان سردمداران جمهوری اسلامی افتاد.

در آنهنگام، سران حکومت و شورای امنیت و فرماندهان با تعجیل فراوان تشکیل جلسه داده و سمیناری برگزار کردند و در برابر اعتصابات و تظاهرات به بحث و مشورت و چاره جویی پرداختند. سرانجام این جلسه منتج به صدور فرمان و دستورالعملی شد که طبق آن، آماده باش فوری به نیروهای نظامی و مخصوصا سپاه پاسداران در سراسر ایران اعلام گردید. آنها در آن موقع در دستورالعملهایشان بر این نکته تاکید داشتند که برای سرکوب مردم باید از نیروی مسلح مورد اعتمادشان استفاده نمایند و همین حالا هم که مشغول سازماندهی نیروهای سرکوبگرشان هستند، سپاه پاسداران را بیشتر مورد توجه قرار می دهند. هدف رژیم از نیرومند کردن سپاه و افزایش ظرفیت سرکوبگرانه اش تا سه برابر ظرفیت فعلی این است که او می داند، بعد از اعلام صلح بین ایران و عراق، هر کارگر و زحمتکشی بیش از پیش خواستههایش را مطالبه می نماید، کارگر بیکار، کار یا بیمه بیکاری می خواهد، کارگر شاغل دستمزد بیشتر و ساعت کار کمتر و خواستههای دیگرش را مطرح می کند و مردم گرسنه و تنگدست هم



در این روزها رادیو تهران اعلام کرد که خامنه ای فرمانده کل قوا تصویب کرده است که نیروی زمینی سپاه پاسداران لازم است تا سه برابر ظرفیت کنونی گسترش و تجدید سازمان یافته و تقویت گردد. فرماندهان سپاه اسلام اعلام کرده اند که سپاه پاسداران ۲ هدف اساسی دارد، "دفاع در برابر تهدید و تجاوز خارجی" و "مقابله با بحران داخلی ایران"!

عنوان این مطلب که هدف از تقویت سپاه پاسداران، دفاع در برابر تجاوز خارجی است، حرف تازه ای نیست و تمام دولتهای سرمایه داری، ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای خود را تحت نام دفاع در برابر هجوم نیروهای خارجی سازمان می دهند. ولی روشن است که همه آنها دروغ میگویند و هدفشان از سازمان دادن نیروهای مسلح، ارتش و سپاه و پلیس و ... اساسا بخاطر مقابله با اعتراضات و مبارزات کارگری و سرکوب انقلاب است. اصل مطلب در این خبر رادیویی هم، تاکید بر هدف دوم یعنی مقابله با بحران داخلی و سرکوب اعتراضات کارگران و توده های مردم زحمتکش است!

جمهوری اسلامی با اعلام علنی این مساله آشکارا به کارگران و مردم زحمتکش می گوید که خود را برای مقابله با اعتراضات و مبارزات آنها آماده می کند و به این ترتیب علنا مبارزه و انقلاب را مورد تهدید قرار می دهد.

همه بیاد داریم که پاییز و زمستان پارسال در مراکز صنعتی ایران اعتصابات نسبتا نیرومند کارگری بر پا شد که بدنبال آن، در تعداد



اخبار فعالیت

نیروی پیشمرگ کومه له

پایگاه نیروهای رژیم

در روستای قول ته ستیر

ناحیه بانه

مورد تعرض جسورانه

پیشمرگان کومه له

قرار گرفت!

طبق خبری از ستاد فرماندهی نیروی پیشمرگ کومه له - رفقای شاخه نظامی حزب در تاریخ جمعه ۲۵ آبان ماه، پایگاه نیروهای رژیم را در روستای قول ته ستیر ناحیه بانه مورد تعرض قرار داده و توسط سلاحهای نیمه سنگین و سبک و از فاصله نزدیک پایگاه مزدوران را کوبیدند.

این تعرض جسورانه نیروهای دشمن را کاملا غافلگیر کرد به گونه ای که آنها فرصت هیچگونه عکس العملی نداشتند.

مزدوران رژیم، بعد از اتمام عملیات رفقای پیشمرگ، به مدت ۲ ساعت، منطقه را با سلاحهای سنگین و سبک، آتشباران کردند که خوشبختانه تلفاتی در بر نداشت.

رفقای پیشمرگ بعد از پایان عملیات به سلامت به ماموریت خود در منطقه ادامه دادند.



میدان خواهند آمد؟ بله، موفقیت و یا عدم موفقیت رژیم در مانعیت از اعتراضات و سرکوب مبارزات در پاسخ به این سوالات نهفته است! اگر کارگران شاغل و بیکار متحد با هم به میدان آمده و جدی تر از آنچه که تا حال انجام داده اند دست بکار برپا کردن تشکلهایشان شوند، رژیم با سازماندهی نیروی سپاه و نیروهای سرکوبگر دیگرش نمی تواند هیچ غلطی بکند.

اگر کارگران کمونیست و پیشرو به وظایف خود عمل نمایند و کارگران و مردم زحمتکش و آزاده را به اعتراضات و مبارزات متحد و نیرومند سوق دهند و این مبارزات را سازمان دهند و کارخانه و کارگاه و اداره و محله و خیابان و هر مرکز کارگری دیگر را به میدان مبارزات کارگری و توده ای تبدیل نمایند، نیروی سرمایه داران در برابر نیروی متحد و سازمانیافته کارگران و توده های مردم یارای مقاومت ندارد و کاری از دست سرمایه داران ساخته نیست. کارگران کمونیست و پیشرو در این زمینه باید جدی تر از همیشه وظایفشان را انجام داده و نقش خویش را ایفا نمایند!



سلاح و درنده ای را سازمان دهد که در سایه آن براهتی کارش را بکند و کسی نتواند برایش مزاحمتی ایجاد نماید. البته بخشی از منظور رژیم در اعلام علنی آمادگی نیروهای مسلح برای مقابله با بحران داخلی و سرکوب انقلاب، به این خاطر است که به سرمایه داری و سرمایه دارانی که نگران امنیت داخلی ایران و گسترش مبارزات و اعتراضات هستند، اطمینان خاطر بدهد تا سرمایه هایشان را بکار بیندازند و به همین ترتیب سرمایه داری غرب هم مطمئن شود که جمهوری اسلامی تثبیت شده و آرامش برقرار است و سرمایه گذاری در ایران مقرون به صرفه و امکانپذیر است! آیا واقعا نیروی مسلحی که جمهوری اسلامی می خواهد از نو آن را سازماندهی و آماده نماید، قادر است از مبارزه و انقلاب جلوگیری نماید؟ آیا رژیم می تواند برای بکار انداختن سرمایه ها و بخاطر پیشبرد سیاست بازسازی اقتصادیش، جزیره آرامشی را در ایران برای سرمایه تثبیت نماید؟

جواب این سوالات به این گره خورده که آیا توده های کارگر و زحمتکش جدی تر و سازمانیافته تر از پیش به میدان مبارزه و اعتراض خواهند آمد، آیا اعتراضات کارگران و مردم زحمتکش همین طور پراکنده و غیر متشکل خواهد بود و آیا کارگران تشکلهایشان را مانند اتحادیه و شورا بوجود خواهند آورد یا نه؟ آیا کارگران در به میدان کشاندن توده های زحمتکش و مبارز مردم موفق خواهند بود؟ و آیا توده های مردم همدوش کارگران و حول نیروی یکپارچه و متحد و پیشاهنگ کارگران برای خواسته های رفاهی و معیشتی و برای زندگی بهتر و انسانی به

کارگران، به حزب کمونیست ایران پیوندید!

از هیجان اخبار جهان

کارگران ترکیه، در مقابله با تورم فزاینده خواهان ۵ برابر افزایش دستمزد هستند.

سراسری در این کشور چاره جویی کنند. مذاکره کارفرمایان با اتحادیه نساجان و اتحادیه کارگران زغال سنگ در هفته آخر مهر ماه بدون نتیجه متوقف شد. این دو اتحادیه بیش از صد بیست و پنج هزار نفر از کارگران را در برمیگیرند. اتحادیه نساجان و کارگران زغال سنگ خواهان دستمزد ماهانه ای معادل ۱/۵ میلیون لیر ترکیه برای سال اول، و ۵۰٪ افزایش دستمزدها از سال بعد برای مقابله با افزایش قیمت ها هستند.

نزدیک به یک میلیون نفر از کارگران صنایع ترکیه، اعلام کرده اند که در صورتیکه کارفرمایان با افزایشی معادل ۵ برابر دستمزدهای کنونی موافقت نکنند، یکپارچه دست به اعتصاب خواهند زد. با تورم ماهانه بیش از هشت درصد در ترکیه، اکنون ۵ برابر شدن دستمزدها به یک خواست سراسری و همه گیر در میان کارگران تبدیل شده است. روز بیست و دوم مهر ماه کارفرمایان صنایع خصوصی ترکیه در آنکارا گرد هم آمدند تا برای مقابله با خطر اعتصاب

رانندگان اتوبوس در اسپانیا، با اعتصاب خود، دولت را به پای میز مذاکره کشاندند.

۱۰۹ نقطه این کشور بند آوردند و اعلام کردند که تا گرفتن پاسخ روشن در مورد کاهش قیمت گازوئیل و دیگر خواست های خود به پیکت خود در جاده ها ادامه خواهند داد.

دولت ابتدا در برابر اعتصاب رانندگان اتوبوس، چهار صد نفر از آنها را تا صد هزار پزتا (pezeta) جریمه کرد و گواهینامه های آنها را مصادره نمود. اما با ادامه اعتصاب و توقف اقتصاد

اعتصاب چهار روزه ۳۰/۰۰۰ نفر از رانندگان مستقل اسپانیا، اقتصاد این کشور را تحت فشار جدی قرار داده است. این اعتصاب در اعتراض به افزایش ۲۴٪ به بهای گازوئیل و مواد سوختی صورت گرفت که به دنبال بحران خاورمیانه به اجرا گذاشته شده بود. با توقف حمل و نقل و اختلال جدی در بسیاری از صنایع و کارخانجات و بنگاهها، دولت مجبور گردید با اعتصابیون وارد مذاکره شود. رانندگان اعتصابی اسپانیا جاده های مختلف را در



اخبار و گزارشات کارگری

اعتراض کارگران شهر سردشت علیه اعزام به مناطق زلزله زده

چندی پیش شهرداری شهر سردشت تعدادی از کارگران این شهر را بدون در نظر گرفتن هیچ حق و حقوق ویژه ای عازم مناطق زلزله زده نمود، کارگران علیه این اقدام رژیم به اعتراض پرداخته و تعدادی از آنها بدون اجازه شهرداری به شهر سردشت بازگشتند.

کار طاقت فرسا

در کوره پزخانه ها

همچنان قربانی میگرد!

بنا به خبری که به رادیو صدای انقلاب ایران رسیده است، در تاریخ ۲۰ مهر ماه سال جاری یکی از کارگران کوره پزخانه های شهر ملایر به نام حسن کورد که از اهالی روستای "زیوه" ی پیرانشهر بود در اثر کار طاقت فرسا و مداوم در کوره پزخانه ها جان خود را از دست داد. لازم به یادآوری است که مدتی پیش نیز در یکی از کوره پزخانه های قزوین زن کارگری به نام عایشه از اهالی روستای "بادیناوی پیرانان" در اثر کار طاقت فرسا به بیماری سختی مبتلا شد که متأسفانه معالجات پزشکی در مورد وی موثر واقع نشد و این کارگر هم جان خود را از دست داد.



این کشور دولت حاضر به مذاکره با نمایندگان رانندگان اعتصابی گردید و رانندگان نیز در مقابل حاضر شدند موقتا از پیکت در جاده ها و بستن راهها دست بردارند. رانندگان اعتصابی اسپانیا همچنین خواستار حق بازنشستگی از سن ۶۰ سال و پرداخت بیمه های درمانی هستند.

گروهی از کارگران معادن روی در پرو در اعتراض

به سیاست ریاضت اقتصادی، دست به اعتصاب زدند.

بیش از ۳۵۰۰ تن از کارگران معادن روی در پرو اوایل مهر ماه دست به اعتصاب زدند. کارگران به تلاشهای مدیریت معدن که با یک قرارداد یک جانبه در صدد تحمیل اجحافتی به آنها می باشد اعتراض دارند.

مدیریت معادن دولتی پرو، در تلاش است بار بحران اقتصادی این کشور را بر دوش کارگران بیندازد. آلبرتو فوجی مورو رئیس جمهور این کشور مدت کوتاهی پس از به قدرت رسیدنش، با یک سیاست ریاضت اقتصادی، قیمت مواد غذایی را چهار برابر افزایش داد. این حرکت دولت با عکس العمل خشمگینانه ۴ بخش های مختلف کارگران پرو مواجه شده است. اواخر شهریور ماه، صنایع نفت پرو، با اعتصاب ۷۵۰۰ نفر کارگران این صنایع، به تعطیل کامل گشاده شد. بسیاری از دیگر کارگران صنایع دولتی نیز تهدید به اعتصاب نموده اند.

اعتصاب عمومی در دومینیکن،

پایتخت این کشور را فلج کرد!

جمهوری دومینیکن اوایل مهر ماه شاهد یک اعتصاب عمومی تازه بود. طی این اعتصاب پایتخت این کشور، کاملا به تعطیل کشیده شد. به علاوه راهپیمایی های اعتراضی گسترده ای نیز طی این اعتصاب در این کشور بر پا گردید. اعتصاب عمومی اخیر در اعتراض به سیاست ریاضت اقتصادی دولت دست راستی این کشور بود که از نتیجه آن اطلاعی در دست نیست.

با اعتصاب رانندگان اتوبوس

در بنگلادش

سیستم ترافیک

این کشور مختل گردید.

اواخر شهریور ماه، رانندگان اتوبوس در بنگلادش دست به اعتصاب گسترده ای زدند و در بیشتر شهرهای این کشور کار را متوقف کردند. این اعتصاب در اعتراض به تهدید کارگران و اتحادیه های آنها توسط مامورین دولت و پلیس، صورت گرفت. دولت برای شکستن اعتصاب گروهی اعتصاب شکن را به خدمت گرفته بود که کار به درگیری میان رانندگان اعتصابی و اعتصاب شکنان رسید و اعتصابیون مانع حرکت اعتصاب شکنان شدند. در شهر پابنا (PABNA) پلیس به اعتصابیون حمله کرد و با تیراندازی وحشیانه

مامورین پلیس ۱۵ تن از رانندگان اتوبوس زخمی شدند. اعتصاب رانندگان اتوبوس، تا مقطع ارسال این خبر ادامه داشته است.

کارگران کنگو با اعتصاب خود

توانستند حق انتخاب

در اتحادیه را بدست آورند!

با یک اعتصاب عمومی سراسری کارگران کنگو حق انتخاب مسئولین اتحادیه رسمی این کشور توسط کارگران را به دولت تحمیل کردند. تاکنون مسئولین اتحادیه توسط وزرات کار تعیین می شدند. در جریان این اعتصاب پایتخت کنگو، برازاویل (Brazavil) به فلج کامل کشیده شد و دولت که ابتدا در برابر خواست کارگران مقاومت می نمود مجبور شد حق انتخاب را برای کارگران در تنها اتحادیه رسمی این کشور بپذیرد!

کارگران کره جنوبی

یک کارخانه را

به اشغال خود در آوردند!

اواخر شهریور ماه سال جاری ۶۰۰ نفر از کارگران کره جنوبی یک کارخانه تولید مهمات را به اشغال خود در آوردند. چند ساعت بعد از اشغال این کارخانه ۳۰۰۰ نفر از مامورین مسلح حکومت، کارخانه را به محاصره خود در آوردند و زد و خورد شدیدی میان پلیس و کارگران در گرفت. سرانجام کارگران ناچار شدند از اشغال کارخانه دست بردارند. از مطالبه کارگران اطلاعی در دست نیست.



زنده باد همبستگی بین المللی کارگران!

بیلی گارسیا
ترجمه آزاد: وریا

توتنها نیستی

همرزم در بند!

در عمق سلول

این زیر زمین مرطوب و تاریک
فریاد بدرد آلوده‌ات را
ضد دروغ و بی عدالتی
به جان شنیدیم.

همرزم در بند!

با این عدالت

با این قانون استثمارگران
بی چون و چرا
تو خطا کاری،
با این قانون و با این عدالت
رنگ سلول مرطوب و تاریک
نبیند هرگز صاحب مکتب.

همرزم در بند

فریاد کن، فریاد

همچنان ضد بی عدالتی!

توتنها مانده

در تنگنای سلولی نیستی

ما کارگران، هم سرنوشتان

"تارها شوید شما همزمان

بی شک هم اکنون

در تکاپوئیم با چنگ و دندان*"

اما، صد اما

تا عدالت استثمارگران

جزو تاریخ باستان شود

تا عدالت خالقان کار

حکمروا شود

خیزشی باید قوی

یکپارچه

خیزشی باید تا که بشکنیم

چون درب زندان

دولتشان را

و بپا کنیم

حاکمیت و عدل کارگر،

و کاری کنیم

آفرینندگان

آزاد و رها

چون پرندگان

و زندان جای

زندانبانان و استثمارگران!



* توسط مترجم اضافه شده



گرامی یاد یاد
جانباختگان راه سوسیالیسم



گرامی باد یاد همزم و یار فداکارمان،

شهین سعدی!

بعد از ظهر روز ۲۹ شهریور ماه ۶۸، هنگامیکه نور خورشید آخرین بوسه های گرمش را بر شاخه های جنگل و ارتفاعات اطراف روستای "شیره" می زد، زمزمه آب زلال چشمه با طنین صدای گرم مهمانان درآمیخته بود. آنان ۵ پیشمرگ کمونیست بودند که عازم انجام ماموریتی بوده و چند لحظه ای را در کنار چشمه به استراحت نشسته بودند. در میانشان، شهین پیشمرگ خوشرو و کوتاه قدی که قامت امید و آرزوهایش سر به آسمان می کشید، گرمی بخش جمع رفیقانه شان بود. آنها مشغول صحبت بودند، از نحوه اجرای ماموریت و ضربه زدن به نیروهای رژیم، از خاطرات و فعالیت های گذشته و از امید و آرزوهایشان می گفتند که ناگهان دست جنایتکارانه افراد مسلح حزب دمکرات، این نوکران سرمایه در کردستان، آرامش منطقه را بهم زد و پس از درگیری کوتاه و خونینی، چهارتن از رفقایمان بدست این جانیان غرق در خون شدند. شهین یکی از این همزمان جانباخته بود!

شهین سعدی سال ۴۶ در روستای "موجش" از توابع کامیاران در خانواده - ای زحمتکش دیده به جهان گشود. وی پس از چند سال همراه خانواده اش به شهر سنندج رفت شهین از وقتی که کودکی بیش نبود

و در روستا زندگی می کرد و هنگامی که به شهر آمده بود دوران نوجوانی را می گذراند، کم کم و مرور با واقعیات جامعه آشنا شد، نابرابری، ها و تفاوت های عمیق میان زندگی انسانها را مشاهده کرد و به ماهیت نظام و جامعه ای که در آن زندگی می کرد، پی برد. این مشاهدات باعث شد که هر روز سوالات بیشتری برای او مطرح شود، چرا وضع اینطور است؟ چرا فقیر وجود دارد، چرا مردم گرسنه هستند، چرا با وجود این همه ثروت و دارایی در جامعه، ما و میلیونها نفر دیگر تا این حد محروم و تنگدستیم؟ چرا ستم وجود دارد، چرا بی حقوقی و بیعدالتی وجود دارد و...

شهین از وقتی که توده های محروم و ستمدیده در سال ۵۷ علیه استثمار و بی عدالتی بپاخاستند و طوفانی عظیم برپا شد که تاج و تخت رژیم شاهنشاهی را در هم پیچید، به کاروان مردم آزادیخواه و انقلابیون کمونیست پیوست و تا آخرین لحظه زندگی اش رهرو معتقد و جدی این راه بود.

انقلاب عظیم ۵۷، امید و اعتقاد به رهایی را در وی بیشتر کرد و شرایط و جو سیاسی شهر سنندج در آن موقع، هر چه بیشتر او را با مبارزه و مسایل سیاسی آشنا کرده و روحیه مبارزاتی و حق طلبی را در او بیشتر کرد. شهین در

تحصن ها، تظاهرات و حرکات انقلابی آندوره، شرکت کرد. در جریان جنگ ۲۴ روزه سنندج و مقاومت قهرمانانه مردم علیه اشغالگران جمهوری اسلامی، او مثل همه جوانان مبارز شهر، با تمام انرژی فعال بود و در کارهای امدادی و پشت جبهه ای، بویژه در کمک به مجروحین جنگی فعال بود.

وی پس از اشغال سنندج توسط مزدوران اسلامی، در شهر ماندگار شد و مثل دانش آموزی انقلابی و حق طلب به فعالیت خود ادامه داده و با جمع آوری کمکهای مالی، تدارکاتی و دارویی برای نیروی پیشمرگ کومه له به پیشبرد مبارزه مسلحانه کمک می کرد.

شهین در زمستان ۶۲ و در ادامه ۶ سال مبارزه انقلابی اش در سنندج، به صفوف پیشمرگان کومه له پیوست و پس از طی دوره آموزش سیاسی - نظامی، برای مدتی بمشابه معلم آموزش و پرورش کومه له، در یکی از روستاهای اطراف سنندج آغاز بکار کرد و کار و تلاش دلسوزانه و پیگیرانه اش در مدت کوتاهی او را به یار و یاور صمیمی اهالی روستا و فرزندان شان تبدیل کرد و مردم او را دوست می داشتند. شرکت در فعالیت سیاسی و نظامی رفقای پیشمرگ در منطقه دیواندره، میدان دیگر فعالیت



گرامی باد یاد رفیق صلاح رجبی !



سری هم به ما می زد، بچه هایم او را عمو صلاح صدا می زدند و همیشه جویای حالش بودند، او حقیقتاً یآوری صمیمی و انسانی مهربان و مبارز بود!

رفیق صلاح رجبی سال ۱۳۴۰ در خانواده ای زحمتکش در شهر سقز بدنیا آمد. پدرش در گاراژ کار می کرد و روزانه با پولی که پیدا می کرد، زندگی خانواده شان را تامین می نمود. صلاح دوران ابتدایی و متوسطه را تا کلاس پنجم دبیرستان در شهر سقز به تحصیل پرداخت، زیرکی و تیز هوشی اش وی را در میان همکلاسی هایش مشهور کرده بود. او مانند فرزند هر زحمتکش دیگری با محرومیت آشنا بود و از این وضع رنج می برد. سال ۵۷ با شروع اعتراضات توده ای، علیه رژیم شاه، صلاح با مسایل سیاسی آشنا شد. او در مدرسه و در میان

معلوم بود که خیلی غمگین و ناراحت است. با همان حالت و صدای بغض آلودش گفت: متأسفانه خبر اعدام صلاح را شنیدم، از این و آن هم خیلی جویا شده ام و هنوز نمی دانم این خبر صحیح است یا نه، باور کنید اگر هر سه فرزندم اعدام می شدند، همینقدر ناراحت می شدم. ما صلاح را خوب می شناختیم او هرگاه به روستایمان می آمد،

در یکی از شبهای تابستان ۶۷، هنگامی که همراه چند واحد از رفقای پیشمرگ وارد یکی از روستاهای منطقه سقز شدیم، من با چند نفر دیگر از رفقا برای صرف شام به منزل کارگری رفتیم. آن خانواده با آغوشی باز و بگرمی از ما استقبال کردند. علی، کارگری که به خانه اش رفته بودیم، در حالیکه بغض گلویش را می فشرد، من را در آغوش گرفت،

زیادتی میان مردم زحمتکش می رفت و به تبلیغ اهداف و سیاستهای کمونیستی می پرداخت و همیشه اینکار را جزئی از وظایف خود تعریف می کرد. او سال ۶۷ بمدت ۳ ماه در دوره آموزش نظامی ویژه ای که به منظور ارتقاء کارایی نظامی و رزمی واحدهای نیروی پیشمرگ برگزار شد، شرکت کرد.

رفیق شهین ساعدی، در جریان چندین سال مبارزه اش، با تمام انرژی و توان در راه تحقق اهداف و آرمانهای کمونیستی تلاش نمود و ادامه راهش را به ما سپرد.

زنده و گرامی باد یاد هم‌رزم عزیزمان

شهین ساعدی!

پیوسته سعی می کرد با جنگ افروزی و قلدرمنشی مانع فعالیت کمونیستی کومه له شود، مثل رفیقی رزمنده و فداکار برای هر نوع ماموریتی آماده بود. شهین در انجام وظایفش و هنگام شرکت در فعالیت های گوناگون، از خود علاقه و دلسوزی نشان می داد و با احساس مسئولیت هر کاری را که به وی می سپردند، انجام می داد. خود او اغلب تعریف می کرد که هنگامی بیشتر از هر وقت خوشحال و از کار خود راضی است که کاری را که به وی سپرده اند بخوبی انجام داده باشد. او در سال ۶۵ در ادامه کار و تلاش خستگی ناپذیر و کمونیستی اش به عضویت حزب کمونیست ایران درآمد.

شهین در حین انجام ماموریتهای واحدشان همیشه با علاقه و دلگرمی

رفیق بود. او در اکثر ماموریت ها و گشتهای سیاسی - نظامی و تبلیغی واحدهای نیروی پیشمرگ در مناطق دیواندره و سپس در مناطق بانه فعالانه شرکت کرد و تلاش خستگی ناپذیر و سیمای صمیمی و متینش او را به رفیقی عزیز و یاری مهربان در میان همسنگرانیش تبدیل کرده بود. شهین برای رفقای تیپ جنوب هم نامی آشنا بود و خاطره اش همواره یادآور رخسار دختری متین و انسانی آزاده است. او در سال ۶۴ به منطقه سنندج منتقل و در تیپ جنوب سازماندهی شد. در جریان درگیری با نیروهای حزب دمکرات در مناطق جنوب کردستان و برای در هم شکستن سیاستهای ضد کمونیستی و ضد دمکراتیک این حزب که

همکلاسی هایش انسانی دلسوز و مورد اعتماد بود و به هر نوع بیعدالتی و نابرابری معترض بود، در جریان اعتراضات و مبارزات دانش آموزی دوران قیام یکی از فعالین بود و به همین دلیل هم مورد اعتماد و محبوب همکلاسی هایش بود. صلاح عضو شورای دانش آموزان سقز بود و در این دوران با مارکسیسم آشنا شد و قدم در عرصه فعالیت کمونیستی نهاد.

سال ۵۸ با سازمان پیکار تماس گرفت و فعالیت خود را با این سازمان شروع کرد و در تشکیلات مخفی پیکار در سقز سازماندهی شد. با بروز بحران در سازمان پیکار، او همراه تعدادی دیگر از فعالین این سازمان به بخش مارکسیسم انقلابی پیکار پیوستند. در این دوره او دست اندرکار پخش جزوات و آثار اتحاد مبارزان کمونیست شده و تلاش می کرد تا همسنگرانش در تشکیلات کردستان را بیشتر متوجه جوهر نقد مارکسیستی مارکسیسم انقلابی از پایه های فکری و عملی سوسیالیزم خرده بورژوازی بنماید.

کار و فعالیت چشمگیر صلاح، خستگی ناپذیری و استواری اش در تبلیغ مواضع کمونیستی، او را بمثابة انسانی جدی و پیگیر شناسانده بود. وی چندین بار توسط پلیس تحت تعقیب قرار گرفته و بارها خود را از دام پلیس رها ساخت و به شهرهای دورتر رفت. صلاح در سال ۶۱ به صفوف پیشمرگان کومه له پیوست و در تشکیلات علنی منطقه سقز، سازماندهی شد. او از همان ابتدا، با جدیت و فداکاری، کار خود را آغاز کرد و در مدتی کوتاه به رفیق نزدیک و صمیمی همسنگرانش تبدیل شد. صلاح در دورانی که پیشمرگ بود بعنوان رفیقی جدی، پیگیر و فداکار شناخته شد، مهربانی و صمیمیتش خستگی ناپذیری و تلاش بی وقفه اش درک و تقیایش در کمک به همزمانش،

با تجربه و کارآمد برای حزبمان تبدیل شده بود، در بسیاری از روستاهای منطقه سقز، در اجتماعات مردم به سخنرانی پرداخته بود و تلاش می نمود تا توده های کارگر و زحمتکش را علیه بی عدالتی ها و نابرابریهای این نظام ستمگر بیشتر با شیوه های مبارزه کمونیستی آشنا نماید.

رفیق صلاح در مردادماه ۶۶ در جریان انجام ماموریتی در شهر سقز توسط مزدوران رژیم به دام افتاد و دستگیر شد و از همان ابتدا، تحت شکنجه های وحشیانه قرار گرفت و سرانجام در سحرگاه یکی از روزهای پائیز ۶۷ در برابر جوخه اعدام قرار گرفت و بدین سان پس از ۱۱ سال تلاش و کوشش بی وقفه و کمونیستی، ادامه راهش را به ما سپرد. مرگ صلاح برای همه ما و تمام زحمتکشانی که از نزدیک وی را می شناختند، اندوهی سنگین است. مزدوران رژیم که از محبوبیت صلاح در میان مردم اطلاع داشتند، برگزاری هر نوع مراسم یادبودی را ممنوع اعلام کردند، اما علیرغم آن مردم با شرکت وسیع خود در مراسم یاد بودش، یاد عزیز او را گرامی داشتند.

یادش عزیز و راهش پر رهرو باد!

پیشرو بودنش در مرزبندی با نظرات افکار و عملکردهای غیر کمونیستی و تلاشش برای آگاهگری و تبلیغ بی وقفه کمونیسم و سیاستهای حزب کمونیست ایران در میان کارگران و زحمتکشان، به وی چهره کمونیستی پرکار و فعال را بخشیده بود. به همین دلیل او سال ۶۲ به عضویت حزب درآمد و مسئولیت سیاسی یک دسته از پیشمرگان به وی واگذار شد و پس از مدتی کوتاه مسئولیت سیاسی یک پل از رفقای گردان ۲۶ سقز را به وی سپردند. همزمانش و مردم زحمتکش مناطق دوروبر سقز بیاد دارند که صلاح همیشه پس از چندین ساعت پیاده روی و خستگی زیاد، به هر روستایی که می رسید، با روبی گشاده و صمیمی بمیان زنان و مردان محروم و ستمدیده می رفت و نشریه و اعلامیه هایی را از کوله بارش در می آورد و برایشان می خواند و یا آنها را در میان مردم پخش میکرد.

رفیق صلاح پیشمرگی جسور و فداکار بود و در مدتی که پیشمرگ بود در بسیاری از درگیری ها و عملیاتهای نظامی علیه مزدوران رژیم شرکت کرد، از جمله درگیریهای وسیع و چند روزه منطقه "گه ورک" در سال ۶۲، در درگیری کوه "آسمانبلای" در سال ۶۳ و در درگیری ۱۳ ساعته پشت روستای "آلکالو" و... شرکت داشت.

صلاح سال ۶۵ برای مدتی به منطقه دیواندره اعزام شد و سپس دوباره به ناحیه سقز بازگشت او در سال ۶۶ به عنوان مسئول دسته سازمانده بخش سرشیو سازماندهی شد که در این جا هم، جدیت و علاقه زیادی به کار سیاسی و تبلیغی در میان مردم زحمتکش از خود نشان داد و گرچه مدت کوتاهی در این عرصه کار کرد اما خیلی زود در میان مردم شناخته شد و مورد اعتمادشان واقع شد. او طی سالهای فعالیتش به عضوی



گزارشی از اوضاع ایران

متن زیر گزارشی است از اوضاع ایران که یکی از رفقا فرستاده است.

با سلام و آرزوی موفقیت برای شما
دستان را به گرمی میفشارم.

در مورد ایران در رابطه با اوضاع اقتصادی باید بگویم که تورم روز به روز افزایش مییابد و خود فقر و فلاکت هرچه بیشتری را بدنبال دارد. مردم و خصوصاً کارگران و زحمتکشان صورتشان را به زور سیلی سرخ نگه میدارند. کارهای رفرفی محدود و معدود رژیم هم مثل افزایش مزایای کارمندان و کارگران و بازنشستگان دردی را دوا نمیکند. سرمایه داران قبل از اینکه این اضافه دستمزد ناچیز بدست مردم برسد قیمتها را بالا برده اند و موجب تورم بیشتر و فلاکت و فقر بیشتر برای زحمتکشان شده اند. در عوض درآمدهای سرمایه داران و واسطه ها و محتکران روز بروز بیشتر شده و شامل رقمهای نجومی

۱۸ ▶

بازهم در مورد بیکاری

رفقای کارگر!

فروش وسایل کهنه و به دور ریخته شده و حتی جمع آوری و فروش پوکه گلوله های توپ در مناطق جنگی و مرزی امرار معاش میکنند.

نظام کثیف و گندیده سرمایه داری، میلیونها کارگر را ناچار به انجام کارهایی میکند که در شان انسان نیست. سرمایه داران و دولتهایشان هیچ وقت خود را مسهب اصلی این وضع نمیدانند. آنها اینروزها از رادیوهای محلی شان در کردستان میگویند، علت بیکاری آمدن مردم روستا به شهر است. آنها میگویند مردم

۱۲ ▶

همانطور که میدانید پائیز و زمستان در کردستان بیشتر از هر دوره دیگر فصل بیکاری اند صدها هزار کارگر کوره، ساختمانی و کشاورزی و کارگران ادارات دولتی که به طور موقت استخدام شده اند در شهر و روستا لااقل تا بهار آینده به صف دیگر بیکاران اضافه میشوند. شهرها ملو از کارگرانی است که از صبح تا عصر دنبال کار میگردند تا بلکه کاری پیدا کنند و زندگی بخور و نمیری را برای خود و خانواده خویش تامین نمایند. آنها با دستفروشی، خرید و فروش اجناس در مرز و بنادر و... و از طریق جمع آوری و

در آلمان چه می گذرد؟

در شب جشن وحدت در برلین، قریب به ده هزار نفر با شعارهای اعتراض آمیز به خیابانها آمدند و در نقاط مختلف شهر درگیری های خشنونت آمیزی میان پلیس و تظاهر کنندگان روی داد.

۲۲ ▶

هفته گذشته سیر تحولات یکساله ای که با فرو ریختن دیوار برلین آغاز شده بود با وحدت سیاسی و دولتی دو آلمان به سرانجام رسید. اما این بار در میان جشن و سرور مردم، اعتراض و نارضایتی نیز خود را به نمایش گذاشت.

طول موجها و ساعات پخش صدای حزب کمونیست ایران و صدای انقلاب ایران را به اطلاع همه برسانید.



صدای انقلاب ایران

طول موجهای ۴۱ - ۴۹ - ۶۵ و ۷۵ متر
ساعات پخش: بعد از ظهر ۱۲/۳۰ تا ۱۳/۴۵ کردی
۱۳/۴۵ تا ۱۴/۱۵ فارسی
عصر ۱۷/۳۰ تا ۱۸/۴۵ کردی
۱۸/۴۵ تا ۱۹/۱۵ فارسی



صدای حزب کمونیست ایران

طول موجهای ۴۹ متر، ۶۵ متر و ۷۵ متر و ۹۰ متر
ساعات پخش شبانه تا پنجشنبه: ۸/۵ بعد از ظهر و ۶/۴۵ صبح
جمعه ها: ۸ صبح و ۸/۵ بعد از ظهر

زنده باد سوسیالیسم!